



# گاهنامه علمی - آموزشی چستا

سال اول / شماره سوم / زمستان ۹۷  
دانشگاه فرهنگیان پردیس  
شهید صدوقی کرمانشاه

- \* کودک قد بلند
- \* در مدارس ژاپن چه می‌گذرد ؟
- \* توسعه پایدار
- \* در باب کروی بودن
- \* چهلمین اقتدار



# فهرست

بیانات رهبری .....	۳
سخن سردبیر .....	۳

## سیری در آموزش

در مدارس ژاپن چه می گذرد؟ .....	۴
جشنواره رویش؛ مصاحبه با استاد عظیمی .....	۶
فناوری، همیار معلم و دانش آموز .....	۸
توسعه پایدار؛ راهی برای دگرگونی ما .....	۹
کودک قدبلند .....	۱۰
دغدغه های یک دانشجوی مشاوره و راهنمایی .....	۱۱
معرفی مقاله .....	۱۲
داستانک .....	۱۲

## نبض علم

در باب کروی بودن .....	۱۳
سرزمین تکنولوژی .....	۱۵
جادوی زبان بدن .....	۱۶
زیبانشناسی .....	۱۸

## کوچه باغ ترنج

شهری از دیار غرب .....	۱۹
سفر به زیبایی های ایران .....	۲۰
سربی گناه؛ قلم اعضا .....	۲۱
یادداشت یک فارغ التحصیل .....	۲۲
یادداشت استاد .....	۲۳
غبار از کتابی بتکانیم .....	۲۵

## بر بام تاریخ و فلسفه

چهلمین اقتدار .....	۲۶
اگرستانسیالیسم .....	۲۸
آموزش و پرورش از دریچه قانون .....	۲۹
جرائم رایانه ای .....	۳۰
سینمای تأمل برانگیز؛ انیمیشن EL EMPLEO .....	۳۱

## لبخند دانشجویی

طنز .....	۳۲
گذری به خاطرات .....	۳۲
قاموس نامه دانشجو .....	۳۳

## اشارات

آنچه گذشت .....	۳۴
-----------------	----

مدیرمسئول: سوسن میزایی اصل  
سردبیر: فاطمه سادات ایزدی اونجی  
هیئت دبیران: فاطمه بهلولی، گلرخ فرامرزی  
هیئت تحریریه: زینب قهرمانی، هستی کریمی، سمانه حداد،  
فاطمه بهرامی، حسنا نوری، عاطفه سرخکی، صبا مرادی،  
عاطفه رحمتی سلیمانیه  
نگارندگان افتخاری: فاطمه سادات کاظمی، زینب فرحناک،  
مائده قربانی، رویا نژاد شریف، زهرا غفارزاده، علی امیری،  
کیارش اقبالی سرشت، سید امین طباطبایی  
صفحه آرا: شادان ارشدی  
مجری طرح: نادیا مهرابی  
ویراستار: علی امیری  
نشانی دفتر انجمن: کرمانشاه، بلوار شهید بهشتی، جنب پارک شاهد،  
پردیس شهید صدوقی دانشگاه فرهنگیان کرمانشاه.

پست الکترونیکی: [chistamag.cfu@gmail.com](mailto:chistamag.cfu@gmail.com)

پیام رسان سروش - اینستاگرام: @chistamag\_cfu

گاهنامه علمی-آموزشی دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید

صدوقی کرمانشاه/سال اول/شماره سوم/زمستان ۹۷

صاحب امتیاز: کانون مطالعات تربیت معلم



### بیانات رهبری

آنچه در مورد تعلیم و تربیت می‌خواهیم عرض کنیم این است که جهت‌گیری تعلیم و تربیت کشور باید به سمت برخورداری از عدالت باشد؛ یعنی آموزش و پرورش ما، تعلیم و تربیت ما، عدالت‌پرور تربیت کند، عدالت‌خواه تربیت کند، عدالت ساز تربیت کند؛ چون عدالت، آن ارزش والایی است که از اوّل تاریخ بشر تا امروز، همواره موردنظر آحاد بشر بوده است. دانشجو باید در طول این دوازده سال، جایگاه خود را در این کاروان عظیمی که به سمت پیشرفت در جامعه‌ی اسلامی حرکت می‌کند، پیدا کند؛ باید بداند که در این مجموعه‌ی عظیم، در این حرکت عظیم، او چه‌کاره است؟ جایگاهش کجا است؟ شأنش چیست؟ برای خودش نقش تعریف بکند؛ ما باید این جور فرزندانمان را تربیت بکنیم.

«بیانات رهبری در دیدار دانشجو معلمان و معلمان سراسر کشور، اردیبهشت ۹۷»

### سخن سردبیر

زمستان نفس‌های آخرش را می‌کشد اما سرمایش هنوز در استخوان‌های ما و نشریه هست. دست‌هایمان را از سرما مشت کرده ایم و مدام در آن‌ها می‌دمیم تا یارای قلم‌زدن داشته باشیم. این بار از هر کجا و همه جا حرف داریم. کوتاه کلام، نشریه دانشجویی باید نقل حرف دانشجو باشد و برای دانشجو؛ غیر این خطاست. پس برای ما و به ما بنویسید که سرمای این زمستان را به گرمی نفستان از تن بیرون کنیم و مثل همیشه سپاس‌گزار جانی که در رگ‌های مجله می‌دمید باشیم.

فاطمه سادات ایزدی‌اونجی

## در مدارس ژاپن چه می‌گذرد؟

معیارهای مدرسه ارزیابی می‌شود. روش‌های ارزیابی معلمان متفاوت است، اما بسیاری از معلمان دانش‌آموزان خود را به‌طور جامع و بر اساس آزمون‌های درسی و رفتار روزانه در کلاس ارزیابی می‌کنند. دانش‌آموزان به‌طور سنتی دارای سه نمره‌ی عالی، خوب و نیاز به تلاش بیشتر هستند. در سال‌های اخیر این روند برای ارائه جزئیات بیشتر با هر دو مقیاس عددی و ارزیابی توصیفی صورت گرفته است.

### فعالیت‌های فوق‌برنامه

فعالیت‌های فوق‌برنامه از کلاس چهارم آغاز می‌شود و شامل بسکتبال، پخت‌وپز، دوخت، بازی، نرم‌افزار، علوم و... است. بسیاری از مدارس پس از اتمام ساعات درسی آموزش، سرگرمی و مهارت دارند؛ چون اگر این مواد آموزشی به‌طور روزانه در مدرسه تدریس شوند وقت زیادی از کلاس روزانه را به خود اختصاص می‌دهند.

### مؤسسات آموزشی در ژاپن:

۱. کودکانستان‌ها: مؤسسات آموزشی قبل از دبستان هستند که نگهداری بچه‌های کوچک را به عهده‌دارند و با ایجاد محیط مناسب برای آن‌ها به پیشرفت روح و جسمشان کمک می‌کنند.

۲. آموزش ابتدایی: از شش‌سالگی شروع می‌شوند و طی یک دوره‌ی شش‌ساله در دوازده‌سالگی به پایان می‌رسد، ولی دوره‌ی آموزش اجباری ۹ سال است که شامل دوره‌ی اول دبیرستان می‌شود، در ژاپن هدف از آموزش اجباری آماده کردن بچه‌ها برای کار است و بنابراین آموزش فنی حرفه‌ای در مدارس به شکل جامع هستند تا اگر دانش‌آموزی بعد از دوره‌ی تعلیمات اجباری نخواهد به تحصیل ادامه دهد دست‌کم حرفه‌وفنی داشته باشد تا بتواند زندگی خود را تأمین نماید.

۳. آموزش متوسطه‌ی دوره‌ی اول: مدت این دوره سه‌ساله و اجباری است و هدف آن پرورش و پیشرفت فکری و جسمی تمامی دانش‌آموزان دوازده تا پانزده‌ساله بر اساس آموزش ابتدایی است.

۴. آموزش متوسطه‌ی دوره‌ی دوم: هدف این مدارس تأمین پرورش عمومی خاص برای پیشرفت فکری و جسمی دانش‌آموزان بر اساس آموزش دوره‌ی اول متوسطه است. این آموزش طی کلاس‌های روزانه، شبانه و مکاتبه‌ای انجام می‌شود. مدت تحصیل برای کلاس‌های روزانه سه سال و برای کلاس‌های شبانه و مکاتبه‌ای بیش از چهار سال است و برنامه‌های درسی مدارس متوسطه‌ی دوره‌ی دوم از دو بخش تشکیل شده است که شامل آموزش عمومی و اختصاصی است. اساس و اصول حاکم بر آموزش عمومی تقویت فرهنگ عمومی است و آموزش اختصاصی مربوط به دانش‌آموزانی می‌شود که مایل‌اند در رشته‌ی اختصاصی مشخصی ادامه

پیشرفت‌های نظام آموزشی ژاپن در چند سال اخیر موجب حیرت و حسرت جهانیان و موردتوجه کارشناسان و کارگزاران آموزشی کشورها قرار گرفته است، سؤال اساسی این است: موفقیت نظام آموزش‌وپرورش به‌ویژه آموزش ابتدایی و پیش‌دبستانی ژاپن چگونه است؟ و آیا می‌شود از تجارب آن‌ها درس گرفت؟ در هر کشوری نظام آموزش یکی از نظام‌های مهم اجتماعی است. رسالت این نظام علاوه بر انتقال میراث فرهنگی و تجارب بشری به نسل جدید، ایجاد تغییرات مطلوب در شناخت‌ها، نگرش‌ها و درنهایت رفتار کودکان، نوجوانان و جوانان است. برای نیل به این اهداف در هر کشوری سرمایه‌های فراوانی برای آموزش‌وپرورش کودکان، نوجوانان و جوانان هزینه می‌شود. شیوه‌ی کار کردن و مؤثر بودن در مراکز آموزش، مستلزم شناخت هدف‌ها، اصول آموزش‌وپرورش، ویژگی‌های دانش‌آموزان، معلمان، برنامه‌های درسی، روش‌های آموزش‌وپرورش و سیاست‌های حاکم بر هریک از دوره‌های تحصیلی است که در هر کشور متفاوت است. مطالعات آموزشی در ژاپن نشان می‌دهد که ژاپن از چه راهی برای رسیدن به شرایط فعلی گذر کرده است و برای رسیدن به‌جایی که آن‌ها هستند از چه مسیرهایی باید عبور کرد. همچنین مشکلات مسیر آن‌ها چیست و نقاط ضعف و قوتش کدام است؛ به همین دلیل اصلاح‌طلبان و مدیران اجرایی از نقاط مختلف دنیا مشتاقانه به ژاپن می‌روند. معلمان و مدیران مدارس نیز به اردوهای آموزشی ژاپن می‌روند تا با برنامه‌های آموزشی آنان در جهت بهبود کیفی کشور خود آشنا شوند. شروع سن آموزشی در ژاپن شش‌سالگی و پایان آن هفده‌سالگی است. سال تحصیلی از اواسط ماه آوریل (۲۵ فروردین) آغاز می‌شود و تا آخر مارس (اسفند) به طول می‌انجامد. همچنین شروع کلاس‌هایشان هشت صبح و اتمام آن پانزده بعدازظهر است و مجموع تعطیلات این کشور از جمله تعطیلات تابستانی بین ۷۰ الی ۸۰ روز است.

### کتاب‌های درسی

ناشران خصوصی، کتاب‌های درسی را بر اساس رهنمودهای دوره‌های آموزشی تدوین می‌کنند و کتاب‌های درسی توسط وزارت آموزش‌وپرورش، فرهنگ، ورزش، علم و فناوری تأیید می‌شود. کتاب‌های آموزشی تحصیل اجباری در دوران ابتدایی و متوسطه اول رایگان توزیع می‌شوند. کتاب‌های درسی دانش‌آموزان و متون جدید توسط هیئت‌مدیره مدرسه یا مدرس هر سه سال یکبار از لیست وزارت آموزش‌وپرورش و کتاب‌های تأیید شده که توسط وزارتخانه منتشر شده است انتخاب می‌شوند. کتاب‌های درسی کم‌حجم و کاغذی هستند تا به‌آسانی توسط دانش‌آموزان حمل شوند.

### ارزیابی دانش‌آموزان

عملکرد دانش‌آموزان در هر سه ماه یکبار بر اساس



\*بعد از ساعات‌های مدرسه کارگاه‌هایی چه در خانه و چه در مدرسه برگزار می‌شود.

\*در مدارس سرایدار وجود ندارد و دانش آموزان مسئول نظافت مدرسه هستند همچنین در این هنگام موسیقی برای آنان نواخته می‌شود.

\*در هر سال دو جشنواره برگزار می‌شود که یکی ورزشی و دیگری فرهنگی است.

\*جشنواره‌ها و رویدادهای ورزشی برای تقویت کار گروهی و افزایش انگیزه است.

\*از چراغ‌های نفتی برای گرم نگه‌داشتن فضای کلاس استفاده می‌کنند و پنجره‌های کلاس را برای جلوگیری از شیوع بیماری‌ها باز می‌گذارند.

\*مدیران مدارس دارای سابقه‌ای بالا سی سال هستند و همچنین برای انتخاب شدن آزمون ورودی دارند که معمولاً بار اول قبول نمی‌شوند.

زینب فرحناک- کارشناسی آموزش ریاضی- ورودی ۹۴ شهید صدوقی  
برگرفته از مقاله آموزش و پرورش ایران، انگلستان و ژاپن دکتر عباس قلاتاش

تحصیل دهند. دروس این دوره‌ی تخصصی و یا حرفه‌ای است و مواد درس‌های اختصاصی شامل: بازرگانی، صنعت، کشاورزی، تدبیر منزل، بهداشت، ماهیگیری و علوم است. اهداف آموزش و پرورش ژاپن در نظام آموزش و پرورش ژاپن دوره‌ی پیش دبستانی و ابتدایی از مهم‌ترین دوره‌های نظام آموزشی و نزد دولت و ملت ژاپن مهم است؛ چنان‌که آری، نوری، مری از بنیان‌گذاران مدرنیسم می‌گوید: کشور ژاپن باید از مقام سوم به مقام دوم جهان برسد و از آنجا به مقام اول و در نهایت هدف ما باید رهبری جهان باشد؛ لذا بهترین راه رسیدن به این هدف والا، صرف انرژی ملی برای ایجاد بنیادی مستحکم در آموزش دوره‌ی ابتدایی در ژاپن است.

### نکاتی جالب درباره سیستم آموزش و پرورش ژاپن

\*هیچ فرد بی‌سوادی در این کشور وجود ندارد.

\*وعده‌ی ناهار موضوعی مهم در مدارس ژاپن است زیرا این امر موجب تسهیل روابط بین دانش آموزان و معلم می‌شود و همچنین بخشی از مهارت‌های زندگی و تغذیه‌ی سالم به‌عنوان بخشی مهم در زدگی فرامی‌گیرند.

\*۸۵٪ دانش آموزان در مدرسه احساس رضایت دارند و ۹۱٪ گفته‌اند هرگز سخنان معلم خود را فراموش نمی‌کنند.

\*میانگین ساعت آموزشی برای دروس ریاضی، زبان، علوم بیشتر است.



## مصاحبه با استاد عظیمی

چیستا: با سلام خدمت دکتر عظیمی و تشکر بابت وقتی که در اختیار دانشجویان و گاهنامه علمی-آموزشی چیستا قرار داده‌اید. دکتر عظیمی: بسم‌الله الرحمن الرحیم، با سلام و احترام و عرض تبریک به مناسبت چهلمین سالروز پیروزی نظام شکوهمند انقلاب اسلامی به حضور دانشجو معلمان، اساتید و کارکنان دانشگاه فرهنگیان.

### + جناب آقای دکتر عظیمی لطفاً خودتان را معرفی بفرمایید؟

- بنده عظیم عظیمی عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان، دارای دکتر تخصصی روانشناسی، گرایش سلامت از دانشگاه سمنان هستم.

### + با توجه به اینکه شما استاد دانشگاه فرهنگیان هستید، در رابطه با فعالیت‌های خود در مسیر آموزشی بگویید.

- کارآموزشی من از سال ۱۳۶۰ پس از گذراندن دوره کاردانی تربیت معلم با آموزش ابتدایی شروع شد. پس از دو سال تجربه تدریس و مدیریت در مقطع ابتدایی وارد آموزش در مقطع راهنمایی و دبیرستان شدم. چند سال هم سابقه مدیریت مدارس را در کارنامه خود دارم. دو سال پس از گذراندن دوره کارشناسی ارشد روان‌شناسی، سال ۱۳۷۳ رسماً کار آموزشی با تربیت معلم را به عنوان مدرس دروس روانشناسی شروع کردم. البته در عین حال در سایر دانشگاه‌های استان تدریس دارم. در سال ۱۳۷۶ به عضویت نظام روانشناسی درآمد و حدود ۱۰ سال به عنوان روان‌شناس در کلینیک آموزش و پرورش استان، خدمات روانشناسی را ارائه می‌دادم و در مراکز خصوصی در امر خدمات مشاوره نیز فعالیت داشتم. با تأسیس دانشگاه فرهنگیان به عنوان عضو هیئت رسمی تابه حال مشغول خدمت هستم. ضمن راه‌اندازی مرکز مشاوره در پردیس شهید رجایی در سال ۹۳ تاکنون ریاست مرکز مشاوره دانشگاه را عهده‌دار هستم و مشغول ارائه خدمات مشاوره به دانشجویان هستم.

### + به عنوان یک استاد روانشناس، دغدغه اصلی دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان را چه می‌دانید؟

با توجه به ارتباط نزدیک با دانشجویان فکر می‌کنم دغدغه مشترک دانشجویان بیشتر مسئله ادامه تحصیل و ارتقاء سطح علمی و تسهیل این فرایند است که به گونه‌ای برای آن‌ها قوانین مبهم بوده و بعضاً قوانین کنونی را در این زمینه مانعی برای این هدف تصور می‌کنند. مسئله بعدی نگرانی وضعیت تأهل و وضعیت معیشتی آن‌هاست.

### + کیفیت برگزاری دوره‌ها و گردهمایی‌های دانشجویی پردیس‌های فرهنگیان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

هرچند تلاش‌های دست‌اندرکاران و مدیران در این زمینه ستودنی است و قابل تقدیر، اما به نظر می‌آید این دوره‌ها نیاز به مدیریت و برنامه‌ریزی بیشتر و دقیق‌تر دارد؛ زیرا از یک سو این دوره‌ها خیلی فراگیر نیستند و رضایت بیشتر دانشجویان را جلب نکرده‌اند و از سوی دیگر بازخورد مناسبی نسبت به این دوره‌ها

از لحاظ کیفیت در میان دانشجویان چندان مشاهده نمی‌شود. دوماً پتانسیل دانشجویان برای شکوفایی و رشد خیلی بیشتر از تصور کنونی است و نباید این فرصت‌ها از دست بدهیم. باید بیشتر هزینه کنیم. همان گونه که قبلاً اشاره کردم برنامه‌های فرهنگی برای دانشجو معلمان نیاز به توجه و برنامه‌ریزی توأم با سرمایه‌گذاری بیشتر دارد؛ زیرا معلم در فرایند تحول و توسعه کشور و تربیت نیروی انسانی نقش اصلی را ایفا می‌کند. داشتن جامعه‌ای توسعه‌یافته و دارای قدرت اقتصادی، صنعتی و علمی بالا مستلزم تربیت و ساختن انسانی قدرتمند، خلاق، فکور و متفکر، پویا و دارای مهارت و توانایی فنی و علمی است بنابراین اگر قرار است چنین اتفاق بزرگی در کشور رخ دهد باید توجه به رشد همه‌جانبه دانشجو معلمان به عنوان محور دانایی و دانش در مرکز این تحول و نگرش قرار گیرد.

### + پیشنهاد و نظر شما در خصوص افزایش فعالیت‌های فرهنگی-آموزشی دانشجویان چیست؟

- به نظر من در اولین قدم دانشگاه نیاز به ایجاد یک معاونت فرهنگی مستقل و قدرتمند هم از نظر علمی و هم به لحاظ مالی دارد. دوم تشکیل کانون‌ها یا کمیته‌های فرهنگی فعال دانشجویی به منظور ایجاد رغبت و میل به کار فرهنگی گسترده و متناسب با استعدادهای دانشجویان است.

### + جناب آقای دکتر، شما در آخرین گردهمایی دانشجویان، جشنواره رویش، حضور داشته‌اید. از نحوه برگزاری جشنواره و برنامه‌های اجرایی در آن توضیحاتی بفرمایید.

- جشنواره رویش دارای چند حوزه عملکردی بود از جمله: توفیق زیارت حرم مطهر رضوی و بهره‌مندی از فضای معنوی و خاطرات به یادماندنی، استفاده از تجارب اساتید و دانشجویان، آشنایی با ویژگی‌های فرهنگی متنوع در کشور، برپایی نمایشگاه فرهنگی دانشجویان سراسر کشور که علی‌رغم کمبود وقت و دوری مسافت برای انتقال محصولات فرهنگی و قومی استان‌ها و به ویژه دانشجویان در انتقال آثار فرهنگی استان خود خوب درخشیدند. دستاوردها و فعالیت مشتاقانه و سرشار از شوق دانشجویان دیدنی و قابل تحسین بود و همین جذابیت کار باعث شد بنده چند نوبت از غرفه‌های آن‌ها به ویژه غرفه دانشجویان کرمانشاه بازدید کنم که لازم است به آن‌ها یکبار دیگر دست‌مریزاد بگویم.

### + با توجه به کسب مقاوم دوم در بخش کانون‌های فرهنگی جشنواره رویش، شما این موفقیت را مرهون چه ویژگی‌هایی می‌دانید؟

- متأسفانه بنده توفیق بازدید از غرفه دانشجویان پردیس شهید صدوقی را نداشتم؛ چون قبل از ورود ما به جشنواره، غرفه دختران را جمع کرده بودند؛ اما شنیدن خبر کسب مقام دوم توسط آن‌ها برای بنده بسیار مسرت‌بخش بود و به وجودشان افتخار می‌کنم زیرا در بین استان‌های سراسر کشور این مقام توفیق بزرگی است. ضمن تبریک این موفقیت، برای آن‌ها پیشرفت بیشتر و

کسب مقام اول را در دوره بعدی آرزومندم.

**+ این دوره سه‌روزه جشنواره رویش تا چه میزان توانسته بود به اهداف موردنظر خود در حوزه فرهنگی دست یابد؟**

- بیان درصد رسیدن به اهداف، نیازمند بررسی دقیق و آماری است؛ اما با توجه به فعالیت دانشجویان و کارشناسان و اساتید، باید اعتراف کنم که دوره‌ای قابل توجه و مفید بود البته شایستگی و قابلیت بچه‌ها بیشتر از این‌هاست و با بازنگری در نقاط قوت و توجه به نقاط ضعف و رفع آن‌ها این تجربه می‌تواند برای جشنواره‌های بعدی سکوی پرتاب خوبی باشد.

**+ در پایان، سخن جناب‌عالی برای دانشجویانی که گام در مسیر تعلیم و تربیت نهاده‌اند چیست؟**

- اولاً باید بگویم که معلم بودن افتخار بزرگی است. بنده همیشه این نکته را در معرفی مقام معلم بیان می‌کنم «انسان عصاره خلقت است و معلم عصاره انسانیت» پس معلم باید در حفظ این جایگاه عظیم بکوشد و به جایگاه خود افتخار کند دوم به عقیده بنده دانشجویان تربیت‌معلم دو وظیفه در پیش

روی دارند:

۱- وظیفه‌ی آموزش

۲- وظیفه‌ی پرورش

در این دو زمینه دانشجو لازم است به مهارت برسد معلم باید یاد بگیرد ماهرانه آموزش دهد تا مربی او پرورش یابد و ماهرانه پرورش دهد تا ظرفیت تربیت برای آموزش و یادگیری گسترش یابد. در فرایند رشد انسان، آموزش و پرورش لازم و ملزوم‌اند. اگر این دو مهارت در دانشجو معلمان ما شکل بگیرد آن‌وقت ما شاهد فرزندانی رشید و جامعه‌ای توسعه‌یافته هم به لحاظ مادی و هم به لحاظ معنوی خواهیم بود. اینجاست که باید بگویم معلم محور توسعه است و این محور را باید تقویت کرد تا توسعه حاصل گردد.

طراح سؤالات: فاطمه سادات ایزدی اونچی - مصاحبه‌گر: علی امیری - تاریخ مصاحبه: ۲۳ بهمن ۱۳۹۷



## فناوری، همیار معلم و دانش آموز

با داشتن جزئیات تکالیف، به دانش آموزان فرم کنفرانس داده می‌شود. من می‌توانم زمان خود را به هر یک از نیازهای شاگردانم اختصاص دهم. من آن‌ها را در سند خود به اشتراک می‌گذارم و شاگردان در کنفرانس خصوصی با من همراهی می‌کنند. آن‌ها سؤالی می‌پرسند که به کمک من نیاز دارد. در صفحه‌ای خاص، من می‌توانم با شاگردانم در ارتباط بوده و اعتماد آن‌ها را جلب کنم. «ما» به جای «من» برای ترفیع کلاس همکاری می‌کنیم.

نوشتن فرایندی خطی نیست. از نقطه‌ی آ به ب و پ و... حرکت نمی‌کند؛ نوشتن تغییر، تمرکز مجدد و مرور است. اسناد گوگل یک ابزار منعطف است که برای تمام برگه‌ها استفاده می‌کنم. شاگردان من بالاترین کیفیت نوشتار را در این سال ارائه داده‌اند و من سهم بزرگی در راهی دارم که به راحتی به آن دسترسی داشته و می‌توانیم ویرایش، مشارکت و در استفاده از آن تجدیدنظر کنیم. وقتی شاگردانم تکلیف نهایی‌شان را ارائه می‌دهند، من می‌توانم آن‌ها را بخوانم و مستقیماً نظرات خود را در صفحه دیجیتال درج کنم. دیگر خط قرمزی روی کاغذ کشیده نمی‌شود. وقتی ارزیابی را تمام کردم به سادگی اسناد را می‌بندم و روی دکمه‌ی «بازخوانی تکالیف» کلیک می‌کنم. شاگردانم بلافاصله اعلان ایمیل را دریافت می‌کنند که اسنادشان ارزیابی شده و قابل مشاهده است.

بررسی تکالیف مخرب وجودم بود. من از این که وقت باارزش کلاس را با تصحیح اوراق هدر دهم، متنفرم. حالا با یک کلیک موس آن را انجام می‌دهم. وقت یکی از چیزهایی است که ما به عنوان معلم نمی‌توانیم آن را خلق کنیم. ما زمان مشخصی داریم که با افزایش تراکم کار، افزایش نمی‌یابد. همچنین شاگردان باید نوشتن را به عنوان یک فرایند بپذیرند. ما متوجه شدیم که استفاده از گوگل درایو به رشد نوشتار دانش آموزان کمک کرده است و به ما اجازه می‌دهد که در موقعیت شخصی با کارمان در ارتباط باشیم.

یادداشت معلم/ Deidra Moitzheim ترجمه زینب قهرمانی-کارشناسی علوم تربیتی - ورودی ۹۵ شهید صدوقی

در جهان امروز فناوری‌های بسیاری را تجربه می‌کنیم که در زندگی ما نقطه اتکایی است. اغلب، دانش آموزان ما درباره‌ی عصر دیجیتال بیشتر از ما می‌دانند و بیشتر مشتاق‌اند آن را در محیط کلاس درس تجربه کنند. فناوری تا حد زیادی زندگی ما را بهبود بخشیده و بسیاری از فعالیت‌ها را ساده‌تر کرده که برای معلمان کالایی گران بهاست. از این رو من معتقدم که ما باید گوگل درایو را به استانداردهای تدریس روزمره مان اضافه کنیم. این می‌تواند وقت را ذخیره کرده و فرایند نوشتن دانش آموزان را پشتیبانی کند. اسناد گوگل مانند نسخه آنلاین میکروسافت ورد است؛ با این تفاوت که رایگان بوده و دارای اشتراک گذاری و توانایی‌های همکاری است.

گوگل درایو مانند یک سیستم مدیریت و ذخیره‌ی اسناد و همچنین مکانی برای ذخیره‌ی انواع فایل‌های دیگر مانند عکس‌ها و فیلم‌هاست. من از هر دو اسناد و درایو در کل فرایند نوشتن از پیش‌نویس تا نسخه نهایی دانش آموزان پایه هشتم استفاده کردم. بچه‌های من برای استفاده از مجموعه گوگل در کلاس درس هیجان دارند؛ زیرا این فناوری نسل آن‌هاست، ساده و سریع به کار گرفته می‌شود و ابزاری عالی برای کمک به نوشتار آن‌هاست. پس از گذر از فرایند بارش فکری، به کارگاه کامپیوتر می‌رویم تا نوشتن پیش‌نویس روی اسناد را آغاز کنیم. من برای شاگردانم فرایند چک‌لیست را ایمیل کردم که زمان و تلاش آن‌ها را مشخص می‌کند و چون در درایو ذخیره شده، دانش آموزان می‌توانند در هر زمان به آن مراجعه کنند. من این سند را برای ارزیابی تغییر داده‌ام.

هنگامی که دانش آموزان شروع به نوشتن می‌کنند، زدن هر دکمه صفحه کلید فوراً ذخیره می‌شود. من دیگر نمی‌شنوم «من یادداشت‌هایم را گم کرده‌ام» یا «نمی‌توانم برگه‌ام را پیدا کنم» این شکایات چیزی مربوط به گذشته است. جست‌وجو، نگاه کردن و اتلاف وقت بازنویسی چیزی است که قبلاً انجام می‌شد. دانش آموزان می‌توانند به راحتی به درایو خود در هرجایی که اینترنت باشد، دسترسی داشته باشند.

پس از این که دانش آموزان پیش‌نویس خود را نوشتند، فرم کنفرانس همسالان را که من به آن‌ها ایمیل کرده‌ام، باز می‌کنند و یک سؤال برای مخاطب می‌نویسند؛ سپس سند خود را باز کرده و با مخاطبشان در میان می‌گذارند و به آن‌ها اجازه‌ی اظهار نظر می‌دهند. تمام بازدید و نظرها رنگی هستند و به صورت خودکار در تاریخچه‌ی بازدید، ذخیره می‌شوند.

وقتی شاگردانم پیش‌نویس ویرایش شده را همراه با فرم کنفرانس همسالان ارائه می‌دهند، من می‌توانم تاریخچه‌ی ویرایش آن‌ها را مشاهده کنم. من از این ویژگی استفاده می‌کنم تا آن‌ها ببینند وقتی با مخاطبی کنفرانس دارند با چه کسی و چه پیشنهادی روبه‌رو می‌شوند. این یکی دیگر از نقاط قوت است برای دانش آموزان و همچنین برای من.





# توسعه پایدار؛ راهی برای دگرگونی ما

## پیشینه توسعه

(آرمان شماره ۸)

شکی نیست که آینده شغلی مناسب از مسیر تحصیل و آموزش باکیفیت عبور می‌کند. (آرمان شماره ۴) بنابراین ضروری است تا بعد از مطمئن شدن از سلامت و به‌روزی افراد (آرمان شماره ۳) به‌ویژه کودکان از به مدرسه رفتن و ادامه تحصیلشان تا سطحی که مهارتی جهت کسب درآمد یا جهت دادن به زندگی شغلی‌شان فراهم آورد، اطمینان حاصل کنیم.

در این سطح از بحث مسئله عدالت اجتماعی خود را نمایان می‌سازد یعنی جایی که در صورت فراهم بودن زنجیره‌ی یادشده، باید تضمینی وجود داشته باشد تا این سازوکار برای همه افراد بشر فارغ از جغرافیا و رنگ و نژاد فراهم شود. آرمان شماره ۵ در زمینه برابری جنسیتی و نیز آرمان شماره ۱۰ در مورد کاهش همه‌ی انواع نابرابری‌ها به همین دلیل در این دستور کار گنجانیده شده است. نکته قابل تأمل در اینجا این است که باید از فراهم آمدن «فرصت‌های برابر» اطمینان حاصل کرد، حال اینکه افراد مختلف چه تصمیمی پس‌ازاین می‌گیرند به حیطه زندگی شخصی‌شان مرتبط است. اما باین‌حال تجربه نشان داده است افراد تحت تأثیر اجتماعی که در آن قرار دارند، تصمیم‌های کم‌وبیش یکسان و البته گاه خلاقانه‌ای اتخاذ می‌کنند. بنابراین می‌توان با ترویج همه‌جانبه چنین سیاست‌هایی در چارچوب آرمان‌های توسعه پایدار در مسیر توسعه حرکت کرد.

اما نکته ابتدایی متن که در مورد شیوه‌های نادرست تولید و مصرف در دنیای امروز است همچنان به قوت خود باقی است، این مسئله گسترده‌ی وسیعی از آب و فاضلاب، تا انرژی پاک، صنعت و نوآوری و حتی شهرسازی، و نحوه مصرف ما را در برمی‌گیرد (به ترتیب آرمان‌های شماره ۱۲، ۱۱، ۹، ۷، ۶). درنهایت مسئله تغییر اقلیم و حیات روی خشکی و زیردیا از جمله مواردی است که در حوزه پایداری زیست‌محیطی باید مدنظر داشت. (آرمان‌های شماره ۱۵، ۱۴، ۱۳).

درنهایت باید گفت که همه موارد فوق در صورتی محقق می‌شوند که کشورها از نهادهایی قدرتمند و تضمین‌کننده صلح برخوردار باشند (آرمان شماره ۱۶)، و نیز همه سازمان‌های ملی و بین‌المللی در مشارکتی پایدار برای نیل به این اهداف همکاری کنند (آرمان شماره ۱۷). بدین ترتیب می‌توان امید داشت نسلی که از امروز تا سال ۲۰۳۰ و بعدازآن به دنیا پا می‌گذارد، زندگی بهتری را تجربه کند.

سید محمدامین طباطبایی - کارشناسی ارشد مطالعات بریتانیا دانشگاه تهران

ماحصل انقلاب صنعتی در دو قرن اخیر بشر را به جایی رسانده است که به‌صورت بی‌رویه در حال تخلیه و تخریب منابع زیست‌محیطی است. طمع سیری‌ناپذیر انسان برای تولید انبوه مهم‌ترین چیزی است که دنیای مدرن را از سده‌های پیش از آن متمایز می‌سازد. این رویه با شروع قرن بیستم شدت گرفت اما وقوع دو جنگ جهانی سبب شد تا مسائل دیگری همچون بازسازی و توسعه‌ی دوباره کشورها مدنظر قرار گیرد. به‌طور دقیق‌تر، دغدغه توسعه بعد از جنگ جهانی دوم جدیت بیشتری به خود گرفت و سازمان‌های بین‌المللی و در رأس آن‌ها سازمان ملل متحد که بدواً برای جلوگیری از شروع جنگ جهانی دیگر تأسیس شده بودند تلاش‌های خود را در کنار صلح و امنیت به توسعه نیز معطوف ساختند. ماحصل این تلاش‌ها، کنفرانس‌ها و نشست‌های متعددی بود که در دهه‌های مختلف یکی پس از دیگری برگزار می‌شد و برنامه‌های مختلفی در دستور کار کارگزاری‌های سازمان ملل متحد قرار می‌گرفت.

با شروع هزاره جدید یک طرح بلندپروازانه تحت عنوان آرمان‌های توسعه هزاره (MDGs) با اهداف هشت‌گانه‌ای که فقرزدایی و بهداشت زنان و کودکان در رأس آن‌ها قرار داشت شروع به کار کرد و بازه‌ی پانزده‌ساله را برای خود در نظر گرفت. در سال ۲۰۱۵ و با پایان یافتن این موعد سازمان ملل ضمن بررسی نتایج و میزان اثربخشی این طرح اقدام به معرفی آرمان‌های هفده‌گانه توسعه پایدار (SDGs) نمود که افق زمانی ۲۰۳۰ را مدنظر قرار می‌دهد. گفتنی است که توسعه پایدار یا sustainable development رویکردی است که سه رکن اصلی را در برمی‌گیرد که عبارت‌اند از رونق اقتصادی، عدالت اجتماعی و پایداری زیست‌محیطی.

## توسعه پایدار در عمل

نکته بسیار مهم و جدی که آرمان‌های توسعه پایدار را از برنامه‌های عملیاتی گذشته متمایز می‌کند شرایط بغرنجی است که انسان قرن بیست و یکمی در هر سه حوزه فوق‌الذکر در آن قرار گرفته است به‌طوری‌که این افق زمانی (سال ۲۰۳۰) از معدود شانس‌های ما برای معکوس کردن و بهبود روندهای مخربی است که به لحاظ اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی در آن قرار گرفته‌ایم. بنابراین ضروری است تا برنامه‌ها، آمارها و پیاده‌سازی‌های ما کاملاً مبنایی عملی داشته باشند. نحوه تأثیر و تأثر آرمان‌های فوق به‌طور خلاصه در ادامه توضیح داده شده است.

طی ۴ دهه گذشته جمعیت زیر خط فقر (بر اساس تعریف بانک جهانی) در دنیا به نصف کاهش پیدا کرده است که بخش قابل توجهی از آن در نتیجه آرمان‌های توسعه هزاره حاصل شده است.

از همین رو اولین هدف توسعه پایدار نیز با همین موضوع آغاز می‌شود تا تعداد کمتر از یک میلیارد نفر باقی‌مانده نیز تا سال ۲۰۳۰ از زیر خط فقر درآیند. لازمه این امر هدف دیگری تحت عنوان به صفر رساندن گرسنگی نیز هست. بدین ترتیب ما اولین نسل بشر خواهیم بود که ریشه‌کن شدن فقر را تجربه می‌کنیم.

هنگامی که از رونق اقتصادی صحبت می‌کنیم قاعداً صرفاً به رفع فقر اشاره نداریم بلکه مسائله شغل شرافتمندانه و رشد اقتصادی هم مدنظر است.



## کودک قبلند

اگر من نبودم کاغذها عاشق قیچی نبودند و شاید اگر من نبودم قیچی‌ها بیکار بودند. هیچ وقت کسی باورش نمی شد من و کاغذ و قیچی و اندیشه این همه دوستان خوبی بشویم.

از خدمات و فعالیت‌های ویژه آقای احمدزاده می توان آموزش ضمن خدمت ویژه مربیان و معلمان مدارس و مهدهای کودک در داخل و خارج از کشور ایران، ارائه دوره های آموزشی جهت ارتقای ارتباط اولیا با فرزندان ویژه پدران و مادران، مجری برنامه ویژه کودکان و نوجوانان از شبکه های مختلف تلویزیونی ایران و به صورت ثابت از شبکه جهانی کودک و نوجوان هدهد، و بیش از سی سال سابقه اجرای برنامه شاد و متنوع در مراکز آموزشی، فرهنگی و تفریحی (مدارس، کودکانستان ها، فرهنگسراها، جشنواره ها و مراکز تربیت معلم) را نام برد.

همچنین از افتخارات ایشان می توان به ایجاد تحولی جدید در دنیای هنر و اریگامی جهان به شیوه های متنوع و بهره گیری از این هنر در فعالیت های فرهنگی و آموزشی در داخل و خارج از کشور ایران و استقبال شورانگیز از این هنر، انتشار سیزده جلد کتاب آموزش هنر کاغذ و قیچی با عنوان «دست های سحرآمیز» و چاپ ده جلد دیگر آن به زودی، برگزیده نمایشگاه بین المللی کتاب تهران و دریافت جایزه از دست ریاست محترم جمهور وقت ایران ۱۳۷۹، برگزیده همایش نوآوری و خلاقیت در آموزش کشور ایران در سال ۱۳۸۵، برگزیده همایش نخبگان و سرآمدان ایثارگر کشور ایران در سال ۱۳۸۶، عضو مرکز فرهیختگان حوزه های علمیه کشور ایران از سال ۱۳۸۴، منتخب جشنواره تبلیغ نوین به شیوه های جدید در حوزه های علمیه کشور ایران در سال ۱۳۹۱، کسب مقام اول و دریافت میکروفون طلا و دیپلم افتخار در «نخستین جشنواره ستاره های صحنه کشور» در رشته مجری صحنه و به زودی با اجرای طرح «صلح و دوستی در جهان» به وسیله کاغذ و قیچی رکورد کشور چین در سال ۲۰۱۲ در کتاب گینس جهان را شکست.

فاطمه بهلولی-کارشناسی آموزش ریاضی - ورودی ۹۴ شهید صدوقی

احمد مهدی زاده گوکی روحانی جانباز و خلاق، که عاشقانه کودکان را دوست می دارد، در هفتم مهر ۱۳۴۵ در شهر کلباف از توابع کرمان به دنیا آمد. از همان ابتدا با تفکرات کودکانه خودش در پی آموختن، دانستن و فهمیدن بود تا این که بعد از اتمام مقطع سوم راهنمایی وارد حوزه علمیه کلباف کرمان شد. بعد از وقوع زلزله به حوزه علمیه قم رفت و تحصیلات خود را ادامه داد. سپس در سال ۶۱ با لباس بسیج در جبهه های جنگ حضور یافت تا این که در عملیات والفجر ۸ و کربلای ۴ از ناحیه کمر و پای راست دچار مجروحیت شدید شد.

این روحانی رزمنده باعلاقه و پشتکار در پی طراحی قالب جدید آموزشی برای سهولت انتقال مفاهیم دشوار به کودکان برآمد؛ تا این که به طرحی با استفاده از قیچی، کاغذ و کاردستی دست یافت. درواقع در این طرح با استفاده از قیچی و کاغذ مفاهیم مختلف را با بیانی داستانی و به زبان خود کودکان به آن ها آموزش می دهد.

آقای مهدی زاده هنگام اجرای برنامه برای کودکان، کودک می شود، کودکی می کند، شعر و ترانه های کودکانه را عاشقانه می خواند بالا و پایین می پرد، با آن ها هم بازی می شود، می خندد، گریه می کند، نقاشی می کند، خاله بازی می کند و... . او کودک قد بلند است که با فوجان خلاقیتش عشق، مهربانی، دوست داشتن، نوع دوستی، گذشت، انسان بودن، محبت کردن و... را به دیگر کودکان می آموزد.

او خودش را این گونه معرفی می کند که اولش نه کاغذ را دوست داشتم و نه از قیچی خوشم می آمد، بزرگ تر که شدم فکر کردم منقار پرنده ها و کلاغ ها شکل قیچی است و ابرها شبیه کاغذند. پدر و مادر من نمی گذاشتند با قیچی بازی کنم، می گفتند: «دستت را می بری و کاغذ روی فرش می ریزی». به همین دلیل توی خیالم با منقار پرنده ها ابرها را می بریدم؛ تا این که یک روز با قیچی حوله را سوراخ کردم و با برش روی آن یک گل درآوردم؛ اگرچه به خاطر آن حوله حساسی دعوایم کردند، اما این آغاز راهی شد که من عاشقش بودم. من قیچی را استخدام کردم و





# دغدغه‌های یک دانشجوی مشاوره و راهنمایی

وجود دارد به آنان بسپاریم. همچنین در مدارس شنیده می‌شود که «کار مشاورین فقط این است که چایی بخورد و در دفتر بنشیند و پای بر روی پای خویش اندازد، بدون انجام هیچ کار مفیدی». حرف از مشاورانی اقتباس شده است که ما در مدرسه‌هایمان آنان را دیده‌ایم اما ما دانشجویهای رشته‌ی مشاوره و راهنمایی باید این برچسبی که بر پیشانی مشاوران زده‌اند را تغییر بدهیم و نشان بدهیم که یک مشاور پایه و اساس یک جامعه است که می‌تواند یک جامعه را از مراتب پایین به بالاتر رساند.

دید منفی مشاوران نسبت به خود و جایگاهشان باعث شده از اعتمادبه‌نفس کافی برخوردار نباشند. چنین مشاورانی نمی‌توانند در کار خود موفق باشند، پس قبل از این که بخواهیم دنیا را تغییر بدهیم باید اول خود را تغییر بدهیم چون خودمان جزئی از آن دنیا هستیم. علاوه بر دید مدیر مدرسه و دید مشاوران نسبت به خودشان دید دانش‌آموزان نیز از دیگر عوامل مؤثر بر نقش مشاوران در مدرسه است. معمولاً دانش‌آموزان با نقش مشاور آگاهی زیادی ندارند و نگرش آن‌ها نسبت به مشاوران بیشتر بر مبنای دید قبلی آن‌ها از مشاور صورت می‌گیرد؛ مثلاً اگر یک مشاور رازدار باشد و دانش‌آموز با آن احساس راحتی بکند، دید مثبتی نسبت به مشاور پیدا می‌کند. در ابتدای سال و در جلسات اولیا و مربیان اگر از نقش و هدف مشاوران بگویند هم دانش‌آموزان و هم اولیا بیشتر با نقش مشاور آشنا می‌شوند.

درنهایت می‌توان گفت، مادامی مشاوران در کار خود موفق‌اند که علاقه‌مند به دانش‌آموزان و آگاه به مبانی روانشناسی، جامعه‌شناسی و اصول تربیتی باشند. یک مشاور نباید کارهای مشاوره‌ای خود را با سایر فعالیت‌هایش آمیخته کند؛ بلکه باید با برنامه‌ریزی درست به کارهای خود رسیدگی کند. وقتی یک مشاور نتواند با کمک خود دانش‌آموز مشکل او را حل کند باید آن را به سازمان‌های بیرون از مدرسه معرفی کند تا بتوانند مشکل موردنظر را حل کنند. در جامعه‌ی امروزی ما دانش‌آموزان به مشاوران مراجعه نمی‌کنند؛ بلکه مشاور به دنبال دانش‌آموز است تا از اوضاع و احوال آن دانش‌آموز آگاهی یابد و این چنین می‌شود که کار مشاوره، صورتی بالاجبار می‌گیرد و با تحمیل آن به دانش‌آموز، از کیفیت این امر کاسته می‌شود.

رؤیا نژاد شریف - کارشناسی مشاوره و راهنمایی - ورودی ۹۶ شهید صدوقی

آیا مشاورها بی‌کارند؟! نقش مشاوران در مدرسه چیست؟! دید جامعه نسبت به مشاوران چگونه است؟! و سؤال‌های زیاد دیگری هم وجود دارد که در پی پاسخگویی به آن‌ها هستیم. پیشینه‌ی تحقیق مشاوره مطلبی نیست که فقط در چند دهه اخیر مورد بحث و بررسی قرار گرفته باشد بحث مشاوره بحثی نیست که فقط یک دوره و مرحله‌ای از زندگی انسان‌ها را در برگیرد بلکه مشاوره از اول زندگی انسان‌ها وجود داشته است. استاد شفیع‌آبادی که با مطالعه روی ۰۹۱ دانشجو در مورد این که مشاور چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد، به این نتیجه دست پیدا کرد که یک مشاور علاوه بر رازداری، تعهد و علاقه به مشاوره باید از اصول مشاوره آگاهی کامل داشته باشد تا بتواند بر کار خود مسلط باشد. من به‌عنوان یک دانشجوی مشاوره و راهنمایی هرروز با سؤالات زیاد دانشجویان رشته‌های دیگر مواجه می‌شوم که مشاورها چه نقشی دارند؟ یکی از مشاوران موفق (علی پور روستا) گفته است که کار معلم فقط به این صورت نمود پیدا کرده که چند تا برگه در دستش باشد و به ارزشیابی برسد؛ اما درواقع نقش مشاور خیلی پررنگ‌تر از آن چیزی است که در افکار عموم مردم وجود دارد.

مشاوره یک رابطه دوفره است که بر مشکل، رشد و سازگاری فرد تکیه دارد و همچنین یک رابطه‌ی منحصربه‌فرد است که به فرد فرصت رشد کردن، فکر کردن، احساس کردن و ... داده می‌شود. نقش مشاور علاوه بر هدایت تحصیلی و برگزاری آزمون‌های روان‌شناختی این است که باید رازدار باشد. رازدار بودن مشاور به این معنی است که نباید گفته‌های مراجعش به بیرون درج کند؛ یعنی نباید حتی والدین مراجع از موضوع آگاه شوند، مگر این که ضرر جانی برای خود و اطرافیانش داشته باشد. برای این که یک مشاوره‌ی خوب صورت بگیرد، مشاور باید یک جو گرم و صمیمانه ایجاد کند و با مراجع همدلی کند تا بتواند بهتر مشکلاتش را بیان کند. یک مشاور مدرسه باید به معلمان کمک کند که رابطه‌ی صمیمانه‌ای با دانش‌آموزان برقرار کنند تا بتوانند هم‌سطح علم و دانش‌اندوزی را بالا ببرند و هم بیشتر به حل مشکلات دانش‌آموزان بپردازند. در جامعه این نگرش وجود دارد که یک مشاور باید بتواند در عرض چند دقیقه یا چند ساعت به مشکلات مردم پی ببرد و به حل آن‌ها بپردازد؛ اما درواقع کار مشاور این است که به حرف‌های مخاطبش خوب گوش کند و به او کمک کند که راهش را پیدا کند نه این که راهکار بدهد چون یک مشاور مشکل را حل نمی‌کند و حتی راه حل نیز ارائه نمی‌کند؛ بلکه به کمک خود شخص فقط راه را نشان می‌دهد.

یکی از کلیدهای موفقیت مشاوران در مدرسه، دید مدیر مدرسه به نقش مشاور است؛ یعنی آن که مدیر شرایط را برای مشاورین فراهم کند که بهتر بتوانند با دانش‌آموزان ارتباط گیرند؛ مثلاً همراه با برگزاری کلاس‌هایی چون ادبیات، ریاضی و ... کلاس مشاوره نیز در برنامه مدرسه گنجانده شود. باید نگرش و اجحافی که در حق مشاوران مدارس است را تغییر بدهیم و یادآور شویم که مشاوران آچار فرانسه مدارس نیستند که هر وظیفه اضافه‌ای که در مدرسه



## معرفی مقاله

### چکیده

در این مقاله مطالبی در رابطه با فلسفه، آموزش فلسفه به کودکان و آموزش ریاضیات با فلسفه و مفهوم حلقه کندوکاو ارائه شده است. موضوع اصلی این مقاله برنامه آموزش علوم مختلف از جمله ریاضی با فلسفه برای کودکان است و تلاش شده در چارچوب این برنامه، علاوه بر دادن دانشی نظری، با ارائه مثال‌هایی ملموس در زندگی روزمره، در عمل نشان داده شود که چگونه می‌توان کلاس درس علوم مختلف از جمله ریاضی را در هر سطحی که باشد به حلقه کندوکاو تبدیل کرد (با فلسفه آموزش داد) که در صورت به‌کارگیری این برنامه‌ها شاهد بهبود وضعیت یادگیری کودکان و علاقه‌مندی هر چه بیشتر آنان به علوم مختلف به‌ویژه علوم پیچیده‌ای مثل ریاضیات خواهیم بود و کودکان، فلسفه علوم را درک خواهند کرد.

کلمات کلیدی: فلسفه، آموزش، کودکان، ریاضیات، حلقه کندوکاو

فاطمه بهرامی - کارشناسی آموزش ریاضی - ورودی ۹۴ شهید صدوقی

### داستانک

در یکی از مدارس، معلمی دچار مشکل شد و موقتاً برای یک ماه معلم جایگزینی بجای او شروع به تدریس کرد. این معلم جایگزین در یکی از کلاس‌ها سؤالی از دانش‌آموزی کرد که او نتوانست جواب دهد. بقیه دانش‌آموزان شروع کردند به خندیدن و او را مسخره می‌کردند. معلم متوجه شد که این دانش‌آموز از اعتمادبه‌نفس پایینی برخوردار است و همواره توسط هم‌کلاسی‌هایش مورد تمسخر قرار می‌گیرد. زنگ آخر فرارسید و وقتی دانش‌آموزان از کلاس خارج شدند، معلم آن دانش‌آموز را فراخواند و به او برگه‌ای داد که بیتی شعر روی آن نوشته‌شده بود و از او خواست همان‌طور که نام خود را حفظ کرده، آن بیت شعر را حفظ کند و با هیچ‌کس در مورد این موضوع صحبت نکند.

در روز دوم معلم همان بیت شعر را روی تخته نوشت و به‌سرعت آن

بیت شعر را پاک کرد و از بچه‌ها خواست هر کس در آن زمان کوتاه توانسته شعر را حفظ کند، دستش را بالا ببرد. هیچ‌کدام از دانش‌آموزان نتوانسته بود حفظ کند. تنها کسی که دست خود را بالا برد و شعر را خواند همان دانش‌آموز دیروزی بود که مورد تمسخر بچه‌ها بود. بچه‌ها از این‌که او توانسته در این فرصت کوتاه شعر را حفظ کند مات و مبهوت شدند. معلم خواست برای او کف بزنند و تشویقش کنند. در طول این یک ماه، معلم جدید هر روز همین کار را تکرار می‌کرد و از بچه‌ها می‌خواست تشویقش کنند و او را مورد لطف و محبت قرار می‌داد. کم‌کم نگاه هم‌کلاسی‌ها نسبت به آن دانش‌آموز تغییر کرد. دیگر کسی او را مسخره نمی‌کرد. آن دانش‌آموز خود نیز دارای اعتمادبه‌نفس شد و احساس کرد دیگر آن شخصی که همواره معلم سابقش «خنک» می‌نامید، نیست.

پس دانش‌آموز تمام تلاش خود را می‌کرد که همواره آن احساس خوب برتر بودن و باهوش بودن و ارزشمند بودن در نظر دیگران را حفظ کند. آن سال با معدلی خوب قبول شد. به کلاس‌های بالاتر رفت. در کنکور شرکت کرد و وارد دانشگاه شد. مدرک دکترای فوق تخصص پزشکی خود را گرفت و هم‌اکنون پدر پیوند کبد جهان است.

این قصه را دکتر ملک حسینی در کتاب زندگانی خود و برای قدردانی از آن معلم که با یک حرکت هوشمندانه مسیر زندگی او را عوض نمود، نوشته است. همچنین ایشان در صفحه اینستاگرامش نوشته؛ انسان‌ها دو نوع‌اند: نوع اول کلید خیر هستند. دستت را می‌گیرند و در بهتر شدند کمک کرده و به تو احساس ارزشمند بودن می‌دهند. نوع دوم انسان‌هایی هستند که با دیدن اولین شکست شخص، حس بی‌ارزشی و بدشانس بودن را به او منتقل می‌کنند. این دانش‌آموز می‌توانست قربانی نوع دوم این انسان‌ها بشود که بخت با او یار بود و آن معلم کسی نبود جز محمد بهمن بیگی ابر مردی بزرگ که چون ستاره‌ای در دل شب‌های سیاه روزگاران درخشید و معجزه کرد. بهمن بیگی نویسنده‌ای چیره‌دست با ذهنی خلاق و مدیری لایق بود و نشان داد که اگر اراده باشد می‌توان مردمی را از فرش به عرش رساند که نمونه آن دکتر ملک حسینی است.

برگرفته از کتاب شروع از پایان - حمید روزی‌طلب





## در باب کروی بودن

در حالت بی‌وزنی دور زمین می‌چرخد بخواهد کره‌ای کامل بسازد تنها لازم است مقدار لازمی از فلز مذاب را رها کند تا خودبه‌خود تبدیل به کره‌ای کامل شود. بعد هم همین‌طور غوطه‌ور خواهند بود تا سرد شوند و شکل ثابتی به خود بگیرند.

یک نکته جالب دیگر این است که کوه‌های کره زمین در مقایسه با کوه‌های برخی سیارات دیگر منظم‌تر و شیب کمتری دارند. برای مثال، اورست در مقابل بلندترین کوه مریخ - کوه المپوس که ۲۶ کیلومتر ارتفاع دارد و طول دامنه‌اش به ۵۰۰ کیلومتر می‌رسد - شبیه به یک تپه کوچک است. دستورالعمل کیهان برای ساخت کوه ساده است: هرچه گرانش یک سیاره کمتر باشد، آن سیاره کوه‌های بلندتری خواهد داشت. اورست به اندازه‌ای قد کشیده که یک کوه در کره زمین می‌تواند قد بکشد و لایه‌های سنگی زیرین آن زیر وزن کوه تسلیم نشوند. اگر گرانش زمین کمتر بود، در نتیجه آن وزن اورست کمتر می‌بود و اورست بلندتر از آنی می‌بود که امروز است.

اگر گرانش یک جسم جامد به قدر لازم کم باشد، پیوندهای شیمیایی سنگ‌های آن، وزن خود را تاب می‌آورند. در این صورت تقریباً صورت یافتن هر شکلی امکان‌پذیر است. برای مثال فوبوس و دی‌موس، دو قمر مریخ، به دلیل گرانش ضعیف، دو نمونه از معروف‌ترین اجرام آسمانی غیر کروی هستند. در فوبوس، که بزرگ‌ترین قمر مریخ است، یک مرد ۷۰ کیلویی وزنی معادل ۱۱۵ گرم زمین را حس خواهد کرد.

در فضا، کشش سطحی همیشه یک قطره از یک مایع را به اجبار به کره تبدیل می‌کند و اگر این قطره، خیلی بزرگ باشد و جرم بسیار زیادی نیز داشته باشد، فارغ از این که جنسش از چیست، مطمئناً گرانش آن را به شکل یک کره درمی‌آورد.

حباب‌های بزرگ و عظیم گاز در کهکشان می‌توانند به هم آمیخته شوند و کره‌های تقریباً کاملی از جنس گاز تشکیل دهند که ما اسمشان را ستاره گذاشته‌ایم. اما اگر ستاره‌ای خود در گردش به دور یک شیء دیگر با گرانشی قابل‌ملاحظه باشد و چنان نزدیک به آن شیء باشد که شدیداً تحت تأثیر گرانش آن قرار گیرد، شکل کروی آن ستاره کمی از شکل می‌افتد. البته لازم است بگوییم که منظورم از «چنان نزدیک» آن قدر نزدیک است که در «لب روش» شیء مذکور قرار داشته باشد. لب روش، یک منطقه فرضی دمبلی شکل است که هر دو شیئی را که در یک سامانه دوتایی مدار متقابل قرار دارند احاطه کرده است. اگر مواد گازی یک جسم از لفاف خود خارج و وارد

در یونان باستان دانسته بودند که زمین گرد است. زمانی هم با دیدن سایه همیشه‌گرد زمین بر ماه، زمینیان دریافته بودند که روی جسمی کروی زندگی می‌گذرانند. گالیله هم تا پای سوختن رفت. اما حالا در قرن بیست و یک و بعد از قدم نهادن بشر بر ماه و این همه فیلم و عکس و شاهد عینی از فضا، جمعیت قابل‌توجهی در دنیا معتقدند که زمین تخت است. اتفاقاً همین هفته که مطلب را می‌نویسم، در آمریکا همایش جهانی «زمین تخت» را دارند. همین شد بهانه‌ای تا درباره گرد یا علمی‌تر بگویم، کروی بودن زمین و کره به‌طور عام بنویسم.

اگر کریستال‌ها و سنگ‌های شکسته را کنار بگذاریم، چیزهای زیادی در کیهان نمی‌ماند که به‌طور طبیعی گوشه‌های تیز داشته باشند. درست است، بسیاری از اشیاء شکل‌های عجیب و غریبی دارند اما فهرست چیزهای گرد بی‌پایان است؛ از حباب‌های کف و صابون گرفته تا تمام «جهان قابل‌مشاهده». کره‌ها فرزندان قوانین ساده فیزیک هستند. حتی برای فهم ساده‌تر برخی مفاهیم آزمایشگاهی، آن را در سر کروی فرض می‌کنیم.

در تمام کیهان، کره‌های طبیعی ساخته نیروهای طبیعی هستند، نیروهایی مثل نیروی کشش سطحی، که تلاش می‌کند در تمام جهات اشیاء را کوچک کند. برای مثال، کشش سطحی مایعی که حباب کف را می‌سازد، هوای داخل حباب را در تمام جهات می‌فشارد و به این دلیل است که شکل کره به خود می‌گیرد. حباب، در همان لحظات اولیه تولدش، حجم هوای داخل خود را با کمترین میزان سطح لازم محصور می‌کند. نیاز به نابغه بودن نیست، باسواد واحدهای ریاضیات یک و دو دانشگاه هم می‌توان به سادگی اثبات کرد: «تنها شکلی که کم‌ترین سطح ممکن را برای محصور کردن حجمی ثابت اشغال می‌کند، یک کره کامل است». درواقع، اگر بسته‌بندی کالاها کروی شود، می‌توان سالانه میلیاردها تومان صرفه‌جویی کرد. محتویات جعبه‌های بزرگ را می‌توان در کره‌های کوچک جای داد. باین‌حال نمی‌توانیم خودمان را گول بزنیم، بسته‌بندی کروی مضحک است. هیچ‌کس دوست ندارد وقتی خریده‌هایش را روی زمین می‌گذارد تا کلید خانه را از جیبش دربیاورد مجبور شود بعد از باز کردن در دنبال خریدهایی بیفتد که قل خورده و حالا وسط خیابان است.

یک‌راه ساخت کره کامل این است که فلز مذاب را در مقیاس قطره‌هایی از پیش اندازه‌گیری شده بالای یک شفت رها کرد؛ اما این در فضا خیلی ساده‌تر است. اگر فضاوردی که در ایستگاه فضایی دارد



**Sphere**



**Prolate**



**Oblate**

می‌شود ساخته نشده‌اند. برای این که بتوانید یک تپ اختر را تصور کنید، فرض کنید که جرم خورشید در تویی به اندازه یک سوم کرج فشرده شده باشد. اگر هنوز تصور دقیقی از تراکم تپ اخترها ندارید، تصور کنید که ۵۰ میلیون فیل را در یک انگشتانه جای داده‌اند. برای رسیدن به این تراکم باید تمام الکترون‌ها و پروتون‌ها را با فشرده‌سازی تمام فضای خالی اطراف هسته اتم‌ها به نوترون تبدیل کرد. چیزی که باقی می‌ماند یک توپ نوترونی با گرانشی غیرقابل تصور است. در چنین شرایطی میزان انرژی مورد نیاز یک کوهنورد برای بالا رفتن از «کوهی به ارتفاع ضخامت یک کاغذ A4» برابر با همان مقدار انرژی خواهد بود که یک کوهنورد روی کره زمین نیاز دارد تا بتواند قله‌ای به ارتفاع پنج هزار کیلومتر را فتح کند. پیش‌تر توضیح داده شد که هر چه گرانش بیشتر باشد، برآمدگی سطح اجسام (کوه‌ها) کوتاه‌تر خواهد بود و یا به عبارت دیگر شکل جسم به کره کامل نزدیک‌تر خواهد بود؛ به همین دلیل است که انتظار داریم تپ اخترها کامل‌ترین کره‌های دنیا باشند.

اما کره کامل غایبی، کل «جهان قابل مشاهده» است. در هر جهت که بنگریم، کهکشان‌ها با سرعت‌های در تناسب با فاصله‌شان در حال دور شدن از ما هستند و این نشانه معروف جهان منبسط شونده است که در سال ۱۹۲۹ ادوین هابل آن را کشف کرد. از آنجایی که هیچ چیز را نمی‌توان دید که با سرعتی فراتر از سرعت نور حرکت کند، در هر جهت از ما، مسافتی وجود دارد که در آن تندی دور شدن یک کهکشان از ما با سرعت نور برابر می‌شود. از آن نقطه و فراتر از آن، نور اجسام درخشان قبل از رسیدن به ما تمام انرژی خود را از دست می‌دهد و این یعنی ما قادر به مشاهده آن نقطه و جهان فراتر از آن نیستیم. جهان خارج از این مرز کروی همان جهان غیرقابل مشاهده است و برای ما ناشناخته یا حتی غیرقابل شناخت.

حقیقتاً کره‌ها ابزارهای نظری مفیدی هستند به ما کمک می‌کنند بینش عمیق‌تری نسبت به تمام مسائل اختر فیزیکی کسب کنیم؛ اما نباید چنان درگیر آن شویم که همه چیز را از آینه آن ببینیم. شوخی معروفی وجود دارد که می‌گوید در جواب سؤال «چطور می‌توان میزان شیر تولیدی یک گاو را افزایش داد؟» یک متخصص دام‌پروری ممکن است بگوید «رژیم غذایی حیوان مؤثرترین راه است.» یک مهندس ممکن است بگوید «می‌توان به بهبود طراحی دستگاه‌های شیردوشی فکر کرد.» و اما یک فیزیکدان است که می‌گوید: «باید به فکر گاوها فکر کرد!»

کیارش اقبالی سرشت - کارشناسی ارشد مطالعات بریتانیا دانشگاه تهران



لب روش جسم دوم شوند، آنگاه آن مواد به سمت جسم دوم سقوط خواهند کرد. این رخداد در میان ستاره‌های دوتایی بسیار رایج است: یکی از دو ستاره چنان متورم می‌شود که به یک غول قرمز تبدیل شده و لب روش خود را پر می‌کند و ستاره دیگر به یک ستاره همدم تبدیل می‌شود. در این فرایند این غول قرمز شکل کروی خود را از دست داده و تقریباً شبیه به تخم‌مرغ یا بادکنک می‌شود.

ستاره‌های کهکشان راه‌شیری به نحوی در کهکشان قرار گرفته‌اند که شکلی بزرگ، تخت و مسطح ایجاد کرده‌اند، با قطری هزار برابر بزرگ‌تر از ضخامت آن. کهکشان ما از نان لواش هم تخت‌تر است. درست است، کهکشان راه‌شیری یک کره نیست؛ اما احتمالاً زمانی کره بوده است. تخت بودن راه‌شیری را می‌توان به این طریق فهم کرد که زمانی یک توپ بزرگ و کروی از گازهای در حال انقباض بوده که به آرامی می‌چرخیده است. و در ادامه چنان که به سرعت منقبض شده است، هی سریع‌تر و سریع‌تر چرخیده است، شبیه به باستانی‌کاری که دستانش را باز کرده تا سرعت چرخ زدنش را بیشتر کند. درواقع، کهکشان راه‌شیری به‌طور طبیعی در واکنش به نیروهای گریزنده از مرکزی که قصد از هم جدا کردن آن را داشته‌اند مسطح و تخت شده است. هر ستاره‌ای که در ابر گازی کهکشان راه‌شیری و پیش از انقباض آن ایجاد شده است، مدارهای بزرگ و فرورونده دارند. گازهای باقی‌مانده بعد از انقباض، در سطح میانی باقی می‌مانند و عامل سازنده تمام ستاره‌های بعد از انقباض کهکشان هستند؛ از جمله خورشید. کهکشان راه‌شیری اکنون که نه در حال انقباض است و نه در حال انبساط، یک سامانه گرانشی بالغ است که می‌توان ستاره‌های در حال چرخش در بالا و پایین دیسک کهکشان را باقی‌مانده همان ابر گازی کروی دانست که در ابتدا کهکشان را شکل داد. به عبارت ساده‌تر، به‌طور کلی اجسام در چرخش میل به تخت شدن دارند.

به همین دلیل است که قطر کره زمین از قطب تا قطب کوچک‌تر از قطر آن در استوا است. البته این اختلاف خیلی زیاد نیست، سدهم درصد که می‌شود حدود ۴۲ کیلومتر؛ اما زمین سیاره‌ای کوچک و بیشتر آن جامد است و آن‌قدرها هم سریع نمی‌چرخد. هر چیزی روی خط استوای زمین با سرعتی حدود ۱۶۱۰ کیلومتر بر ساعت در حال حرکت است؛ اما داستان در زحل فرق می‌کند. سیاره‌ای غول‌آسا و سریع. زحل یک روز را فقط در عرض ۱۰ ساعت می‌گذراند و در ناحیه استوایی‌اش، سرعت چرخش آن حدود ۳۵۴۰۰ کیلومتر بر ساعت است (تقریباً ۲۲ برابر زمین) و قطر آن از قطب تا قطب ۱۰ درصد کمتر از قطر آن در ناحیه میانی سیاره است؛ اختلافی که حتی با یک تلسکوپ مبتدی و کوچک نیز قابل‌رؤیت است. به کره‌های تخت شده مانند زحل، گره گون Oblate می‌گویند درحالی که اگر از قطب تا قطب یک کره درازتر شده باشد، به آن Prolate می‌گویند؛ مثال ملموس یک گره گون Oblate همبرگر است و برای گره گون Prolate هم می‌توان هات‌داگ را مثال آورد.

جالب اینجاست که اختر فیزیکدانان از اثری که نیروهای گریزنده از مرکز بر ماده می‌گذارند استفاده می‌کنند تا سرعت چرخش اجرام کیهانی را محاسبه کنند. یک تپ اختر (ستاره‌های نوترونی که با سرعت زیادی دروان می‌کنند) در نظر بگیرید، با سرعتی بیش از ۱۰۰ هزار دور بر دقیقه، مسلماً از موادی که در خانه من و شما یافت



## سرزمین تکنولوژی

تأثیرات منفی تکنولوژی: افزایش وزن از جمله تأثیرات منفی تکنولوژی است که دلیل آن علاوه بر تغذیه نادرست و عدم تحرک، استفاده مدام از تکنولوژی‌های دیجیتالی همچون گوشی هوشمند، کامپیوتر شخصی و تبلت می‌باشد که شخص را به ساکن ماندن در یک نقطه و بی‌حرکتی وامی‌دارند.

کاهش سطح روابط اجتماعی از تأثیرات غیرقابل‌انکار و پرنرگ تکنولوژی بر افراد جامعه و به‌خصوص دانش‌آموزان است، دلیل آن استفاده بیش‌ازحد از شبکه‌های اجتماعی است که در اصطلاح امروزی به آن چت کردن می‌گویند.

این موضوع در سنین خیلی پایین نیز کاملاً دیده می‌شود، به این صورت که این عمل تقریباً جایگزین تماس گرفتن و حتی ملاقات حضوری افراد شده است و درنهایت موجب پایین آمدن سطح روابط اجتماعی و معاشرت با دوستان و خانواده می‌شود. در اکثر اوقات، استفاده از تکنولوژی برای افراد تنها جنبه تفریحی پیدا کرده که از حد گذشتن آن موجب هدر رفتن زمان و کاهش وقت و انرژی می‌شود. بر اساس تحقیقات مؤسسه‌ای در کانادا ثابت شده است که تکنولوژی موجب کاهش تمرکز نیز می‌شود که این امر غالباً برای افرادی است که در طول روز به‌طور یکسره از تکنولوژی استفاده می‌کنند؛ هرچند تأثیرات منفی گفته شده را نباید نادیده گرفت. اما این موضوع که دنیا، دنیای تکنولوژی است امری کاملاً غیرقابل‌انکار بوده و باید با آموزش صحیح طریقه استفاده از فناوری مذکور، این تأثیرات را به حداقل کاهش داد.

دنیای کودکان و نوجوانان، سرزمین تنوع و اتفاقات تازه است. اگر گروهی و یا تعداد کمی از دانش‌آموزان، خصوصاً دانش‌آموزان کم‌سن و سال‌تر را زیر نظر گرفته باشید. حتماً دیده‌اید که هنگام بازی و سرگرمی تنها با یک وسیله خاص، پس از زمان کوتاهی خسته می‌شوند و وسیله جدیدی برای سرگرمی می‌خواهند؛ حال اگر وسیله‌ای که در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌گیرد، خواه برای سرگرم شدن باشد و یا استفاده آموزشی، اگر در نگاه اول برای آن‌ها شگفت‌انگیز به نظر بیاید نه‌تنها از آن خسته نمی‌شوند؛ بلکه حاضرند آن را جایگزین امور روزمره خود قرار دهند. استفاده از تکنولوژی برای دانش‌آموزان در امر آموزش و همچنین استفاده برای پر کردن اوقات فراغت، از جذابیتی برای دانش‌آموزان برخوردار است که دوست دارند تمام طول روز با تکنولوژی سرگرم شوند. بنابراین لازم است که مزایا و معایب و نکات لازم در این خصوص را همه‌ی کسانی که با تکنولوژی سروکار دارند بدانند.

اثرات تکنولوژی بر دانش‌آموزان شامل: تأثیر بر آموزش و یادگیری و نیز تأثیر بر زندگی و روابط اجتماعی است که هم از جنبه مثبت و هم منفی قابل‌توجه است. تأثیرات مثبت تکنولوژی بر دانش‌آموزان با استفاده دانش‌آموزان از تکنولوژی انگیزه و اعتمادبه‌نفس آنان افزایش یافته و همکاری گروهی بالا می‌رود که این امر نقش معلمان و مربیان در جلب مشارکت دانش‌آموزان را بسیار پرنرگ نشان می‌دهد و آگاهی هرچه بیشتر آن‌ها را در این زمینه می‌طلبد. تکنولوژی همچنین باعث افزایش دسترسی به اطلاعات و مواد آموزشی درسی و غیردرسی و افزایش سرعت انجام کارها می‌شود که به صرفه‌جویی در زمان کمک می‌کند.

صبا مرادی - کارشناسی علوم تربیتی - ورودی ۹۵ شهید صدوقی



## جادوی زبان بدن

همه ما می‌دانیم که آنچه مردم می‌گویند همیشه آن چیزی نیست که منظور دارند یا احساس می‌کنند. ما در این بخش قصد داریم در مورد کارهایی که به هنگام صحبت به وسیله اعضای بدن انجام می‌دهیم مطالبی بیان کنیم که به مدیریت بهتر روابط کمک می‌کند. زبان بدن ما بازتاب بیرونی وضعیت عاطفی ماست. کلید خواندن زبان بدن این است که ضمن گوش دادن به آنچه دیگران می‌گویند و توجه کردن به شرایط صحبتشان بتوانیم وضعیت عاطفی آن‌ها را درک کنیم. زنان در مقایسه با مردان در خواندن زبان بدن تیزتر و شهودی‌تر هستند. اسکن مغزی زنان نشان می‌دهد که آن‌ها ۱۴ تا ۱۶ منطقه برای ارزیابی رفتار دیگران دارند؛ در حالی که مردان فقط ۴ تا ۶ منطقه دارند. به چند مورد از حرکات متداول اشاره می‌کنیم: یک: حرکات دست: «چگونه بفهمیم کسی روراست است؟ وقتی آدم‌ها می‌خواهند صادق و روراست باشند اغلب اوقات کف دست یا هر دو دستشان را به طرف شخص مقابل می‌گیرند و مثلاً می‌گویند من آن کار را نکردم. همه‌جای دنیا از کف دست‌ها برای نشان دادن نگرش باز و صادقانه استفاده می‌شود تجزیه و تحلیل روش‌های دست دادن: رسم دست‌دادن از صدسال گذشته به‌طور وسیع مورد استفاده قرار می‌گرفته و همیشه در قلمرو مردان باقی بوده تا این که در سال‌های اخیر مورد استفاده زنان نیز قرار گرفته است. سلطه و کنترل هنگام دست دادن چگونه منتقل می‌شود؟

در اولین برخورد با کسی به‌طور ناخودآگاه سه نگرش اصلی منتقل می‌شود: سلطه، اطاعت و برابری. سلطه به این صورت منتقل می‌شود که دستتان را طوری بچرخانید که کف دستتان موقع دست‌دادن به طرف پایین باشد. دست دادن مطیعانه: نقطه مقابل دست‌دادن مسلط این است که دستتان را در حالی پیش ببرید که کف دستتان رو به بالاست این کار به‌طور نمادین به شخص مقابلتان دست بالا را می‌بخشد. برابری: وقتی دو شخص مسلط باهم دست می‌دهند، مبارزه قدرت درمی‌گیرد؛ زیرا هر کدامشان سعی می‌کنند که دست دیگری را به حالت تبعیت درآورند. حاصل این امر دست دادن بسیار محکمی است که طی آن هر دو کف دست در وضعیت عمودی باقی می‌ماند و احساس

برابری و احترام متقابل خلق می‌کند؛ زیرا هیچ‌یک از آن‌ها حاضر نیستند تسلیم دیگری شوند.

حرکات پا: اندام‌های بدن هر چه از مغز دورتر باشند ما از کاری که می‌کنند، کمتر آگاهیم. به عنوان مثال: بیشتر اشخاص از حالات و حرکات چهره‌شان آگاه‌اند و ما حتی می‌توانیم تمرین کنیم که تا چهره نترس یا شاد و قدرشناسی به خود بگیریم؛ بعد از چهره‌مان، از حالت بازوها و دست‌ها کمتر باخبر هستیم و کمتر از همه از پاهایمان باخبریم. درواقع از وضعیت پاهایمان به‌طور کلی بی‌خبریم. این بدان معناست که پاهای منبع اطلاعات مهمی در مورد نگرش دیگران هستند. تکان دادن تند پاهای مثل تلاش مغز برای فرار کردن از چیزی است که دارد تجربه می‌کند. حرکات پاها به هنگام دروغ‌گویی، تندتر می‌شود؛ بنابراین وقتی مطمئن نیستید که فرد مقابلتان دروغ می‌گوید و یا نه، به پاهایش توجه کنید. چهار وضعیت ایستاده‌ی اصلی و پیام‌هایی که منتقل می‌کنند: (۱) وضعیت خبردار: این وضعیت رسمی نشانگر نگرش خنثی و بی‌تصمیمی فرد در مورد رفتن یا ماندن است بیشتر اوقات زنان از این وضعیت استفاده می‌کنند تا بگویند حرفی برای گفتن ندارند (۲). پاهای از هم‌باز: این یک حرکت مردانه است که هر دو پا را محکم روی زمین می‌گذارند و به‌وضوح می‌گویند قصد رفتن ندارند و حاکی از سلطه و حاکمیت مردان است. (۳) یک پا به طرف جلو: در این حرکت وزن بدن به یک‌طرف منتقل می‌شود به‌طوری که پای جلویی پیش می‌آید. نقاشی‌های قرون وسطی اغلب اوقات مردان صاحب‌مقام را به این شکل نشان می‌دهند؛ زیرا آنان را قادر می‌ساخت تا جامه‌ها و کفش‌های گران‌قیمت خود را به نمایش بگذارند. (۴) گذاشتن پا روی پا: انداختن پاها روی هم نشانگر نگرش بسته، مطیعانه یا تدافعی است؛ زیرا به‌طور نمادین هرگونه دسترسی به مرکز بدن را نفی می‌کند.

در مورد زنان حالت‌هایی چون قیچی و گذاشتن پا روی یک پای دیگر به معنی ارسال دو پیام است: زن می‌خواهد بماند نه این که برود دیگر این که دسترسی به او ممکن نیست. وقتی مردی این حرکت را انجام می‌دهد، نشان می‌دهد که در محل می‌ماند؛



روی فرد مقابل دارد و به او می‌گوید که شما شوخی ندارید.

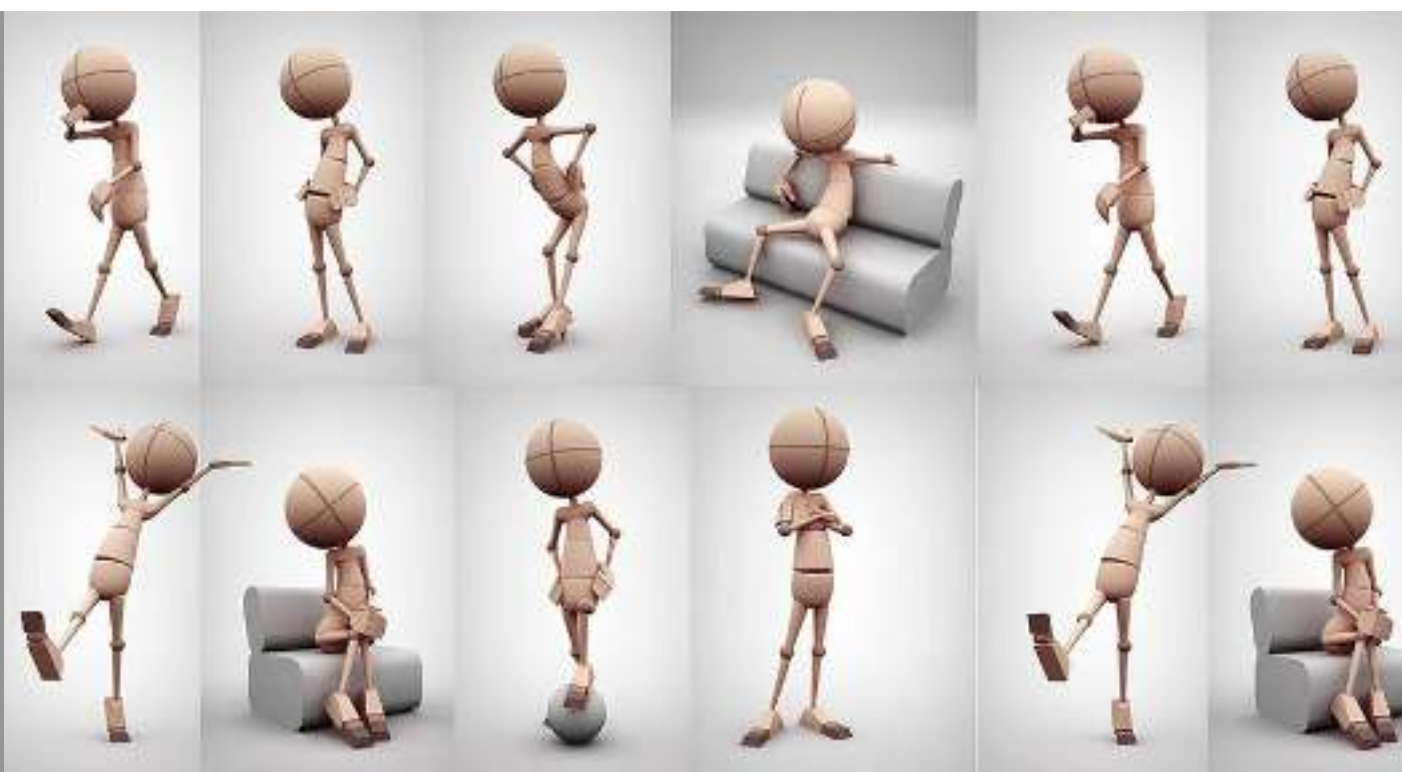
لبخند: لبخند طبیعی چروک‌های کاملاً مشخص در چشمان شخص ایجاد می‌کند. افراد ناصادق فقط با دهانشان لبخند می‌زنند. لبخند زدن علامت اطاعت است بیشتر مردم نمی‌توانند آگاهانه فرق بین لبخند مصنوعی و لبخند واقعی را تشخیص دهند. بیشتر ما همین‌که کسی به ما لبخند بزند راضی هستیم چه واقعی باشد چه مصنوعی. از آنجاکه لبخند زدن حرکتی خلع سلاح کننده است، بیشتر مردم به غلط تصور می‌کنند که حرکت محبوب دروغ‌گوها است؛ اما تحقیقات نشان می‌دهد که وقتی مردم عمداً دروغ می‌گویند خصوصاً (مردان) کمتر از حد معمول لبخند می‌زنند. وقتی دروغ‌گوها لبخند می‌زنند سمت چپ لبخندشان معمولاً نمایان‌تر از سمت راست است. شواهد موجود نشان می‌دهد که لبخند زدن و خندیدن باعث تقویت نظام ایمنی بدن می‌شود، از بدنمان در برابر بیماری‌ها و ناراحتی‌ها دفاع می‌کند، بدن را درمان می‌کند، ایده‌های ما را می‌فروشد، دوستان بیشتری را به طرف ما جذب می‌کند و زندگی‌مان را بسط می‌دهد. خنده شفافبخش است.

**زهرا غفار زاده - کارشناسی مشاوره و راهنمایی ورودی ۹۶ شهید صدوقی**

**برگرفته از کتاب زبان بدن از آلن و باربارا پیز**

**ترجمه: سیمین موحد**

اما می‌خواهد مطمئن شود که کاری به کار او ندارند. پاهای باز نشانه اعتماد به نفس مردانه است پاهای بسته نشانه خویش‌ترداری مردانه است. نشانه‌های چشم: مطالعات نشان می‌دهد که مردمک چشم علاوه بر میزان نور یک محل با تغییر نگرش و حالات از مثبت به منفی یا برعکس گشاد یا تنگ می‌شود. وقتی که فرد هیجان زده می‌شود مردمک چشم‌هایش تا ۴ برابر اندازه اولیه گشاد می‌شود. برعکس، حالت عصبانی و منفی باعث تنگ شدن مردمک چشم‌ها تا اندازه به اصطلاح عدس می‌شود. چشمان روشن‌تر به این علت جذاب‌ترند که مشاهده گشاد شدن مردمکشان آسان‌تر است. کارکرد سفیدی چشم: «سفیدی چشم درواقع ابزار کمکی ارتباطاتی است که انسان را قادر می‌سازد تا ببیند دیگران به کجا نگاه می‌کنند؛ زیرا جهت نگاه افراد به حالت عاطفی ایشان مرتبط است. مغز زنان دارای شبکه‌بندی بیشتری برای خواندن عواطف است و یکی از نتایج این امر آن است که سفیدی چشم زنان بیشتر است. انسان‌ها تنها پستاندارانی هستند که سفیدی چشم دارند. این که نگاهتان را به کجا می‌دوزید تأثیر قدرتمندی روی نتیجه ملاقات روبرو دارد. اگر از نگاه معمولی استفاده کنید زهر کلامتان گرفته می‌شود؛ حال هر چه قدر هم بلند یا تهدیدکننده حرف بزنید. نگاه صمیمانه می‌تواند فرد مقابل را بترساند یا شرم زده کند؛ ولی نگاه از روی قدرت تأثیر قدرتمندی



## زیبا نویسی

۸. متن نارس و نارسا زیبا نیست؛ حتی اگر همه آرایه‌های زبانی در آن جاسازی شده باشد.

۹. فقط کسی می‌تواند زیبا بنویسد که می‌داند چه می‌خواهد بگوید و چقدر و چرا و برای چه کسی. نویسندگانی که گیج می‌زند، خواننده‌اش را هم دچار سرگیجه می‌کند. هیچ انسانی دوست ندارد او را در ابهام بگذارند.

۱۰. بپذیریم که هرکسی نمی‌تواند زیبا بنویسد؛ ولی باور کنیم که هرکسی می‌تواند نازیبا بنویسد.

فاطمه سادات کاظمی - کارشناسی حقوق دانشگاه اصفهان  
برگرفته از کارگاه خلاقیت در نویسندگی و کتاب چو تخته‌پاره بر موج (رضا بابایی)

در هر مقطع تحصیلی یا در هر موقعیت شغلی که باشیم به همان اندازه که بیان عقاید و افکارمان با زبانی شیوا از توانمندی‌های اجتماعی محسوب می‌شود، قطعاً قدرت نوشتن هم به همان اندازه ارزشمند است. همان‌طور که رعایت فنون استاندارد در امر سخن گفتن تأثیر سخن شما را چندین برابر می‌کند، رعایت اصول و آداب نوشتن هم به شما کمک می‌کند افکارتان را به زیبایی بیان کنید.

استفاده از تکنیک‌هایی که در این مطلب به‌صورت خلاصه به آن‌ها اشاره می‌شود در ابتدای راه، توانمندی نوشتاری شما را تقویت کرده و به افزایش انگیزه در امر نوشتن کمک می‌کند.

۱. اگر می‌خواهید زیبا و دلنشین بنویسید، سعی نکنید که زیبا بنویسید. زیبایی در فکر شما است، نه در قلم شما. با قلمتان راحت باشید تا قلم هم بتواند فکر شما را به‌راحتی بر روی کاغذ بیاورد.

۲. به ساختار متن، بیشتر از جمله‌ها و به جمله‌ها بیشتر از کلمه‌ها اهمیت بدهید.

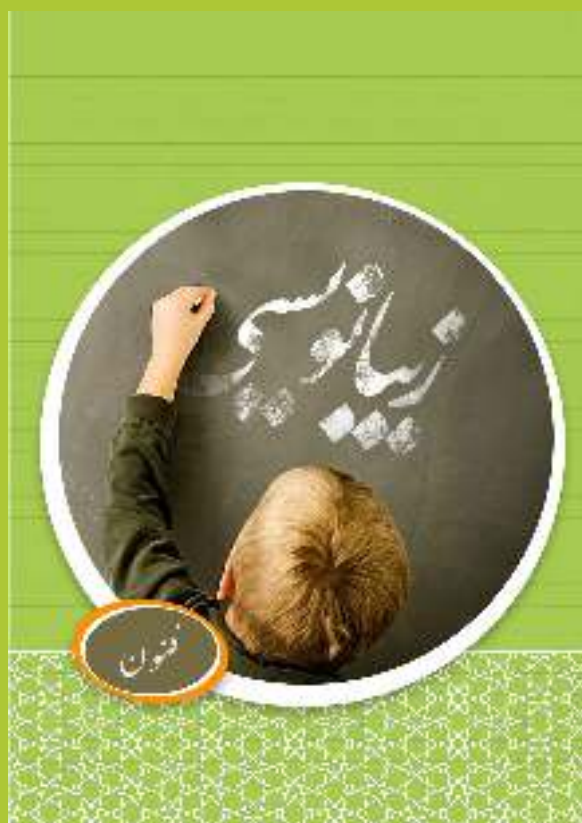
۳. به مخاطب احترام بگذارید تا او نیز به نوشتار شما به دیده‌ی تحسین و احترام بنگرد. کمترین احترام به خواننده، آن است که پاکیزه و درست بنویسید و ساده‌ترین اصول تایپ (مانند فاصله‌ها و نیم‌فاصله‌ها) را رعایت کنید.

۴. نوشتار شما، رفتار شما با خواننده است. هر قدر در رفتارتان صمیمی‌تر باشید، او نیز با شما همدلی بیشتری می‌کند. پس در وقت نوشتن، به یکی از احساسات انسانی خود اجازه ابراز بدهید؛ احساساتی مانند شادی، خشم، غمگینی و هیجان. شما نویسنده‌اید نه دیپلمات یا ربات. اگر می‌خواهید خشک و جدی هم باشید، باشید؛ ولی نفس گیر ننویسید.

۵. غنی‌ترین سرمایه پنهان برای نویسنده، دیوان‌هایی است که خواننده و از یاد برده است.

۶. وظیفه نخست نویسنده، صراحت و صداقت است. حلاوت و ملاحظه در رتبه‌های پس‌از آن است.

۷. یکی از مهم‌ترین عوامل زیبایی در نویسندگی، سرعت نویسنده در چیدن مطالب اصلی نوشتار است. راننده خوب، راننده‌ای است که نه تند می‌رود و نه آهسته. نویسنده هم نباید قلمش را به دست تداعی‌های پی‌درپی و گریزهای فرعی بسپارد که سرعتش در پیشبرد مطالب کم شود و خواننده را معطل کند. همچنین نباید چنان مختصر و تلگرافی بنویسد که از هوش و تمرکز خواننده، سبقت بگیرد. تنظیم سرعت قلم در چیدن مطالب کنار هم، خواننده را به وجد می‌آورد.



## شهری از دیار غرب

نواهای کردی را که مضمون غمگین دارند «مور» می‌نامند که در مراسم عزا خوانده می‌شود.

عید نوروز نیز رنگ و بویی خاص دارد. خانواده‌هایی که تازه وصلت کرده‌اند، برای نوعروس خود تدارکاتی می‌بینند. خانواده‌ی داماد به خانه‌ی عروس رفته و برای او عیدی می‌برند. مراسم دیگر که در ایام نوروز مرسوم است «نوعید» نام دارد. طی این مراسم مردم به منازل خانواده‌هایی که عزیز از دست داده‌اند رفته و دلجویی می‌کنند. در روزهای آتی کوچک‌ترها به دیدن بزرگ‌ترها رفته، عیدی می‌گیرند و از متل‌هایی که بزرگ‌ترها می‌گویند فیض می‌برند. بزرگ اقوام از اشعار کردی استفاده کرده و برای سایرین می‌خواند: اشعاری از علی اشرف نوبتی (معروف به پرتو کرمانشاهی) و شاهمراد مشتاق (معروف به شامی کرمانشاهی). از دیگر شاعران کرمانشاه می‌توان رحیم معینی کرمانشاهی و محمد جواد محبت را نام برد که نام این شهر را درخشان‌تر نموده‌اند. آیت‌الله سید مرتضی نجومی نیز از هنرمندان خوش‌نویس کرمانشاهی بوده که در زمینه‌ی تفسیر قرآن نیز تبحر داشته‌اند.

در کشور ما به تنوع آب‌وهوا، غذاهای گوناگونی نیز طبخ می‌شوند. غذای محبوب کرمانشاهی خورش خلال است که از خلال بادام، گوشت و زرشک سیاه درست می‌شود. غذای دیگر دنده کباب است که طرفداران بسیاری دارد. همچنین آش عباسعلی نیز از غذاهای مخصوص کرمانشاه می‌باشد. به‌علاوه نان برنجی، نان خرمایی، کاک، بژی و نان روغنی از شیرینی‌های محبوب کرمانشاه هستند که به‌عنوان سوغات مهمان شهرهای دیگر می‌شوند.

زینب قهرمانی - کارشناسی علوم تربیتی - ورودی ۹۶ شهید صدوقی

کرمانشاه از شهرهای تاریخی و فرهنگی ایران به شمار می‌رود. نام قدیمی این شهر «کامبادن» است و پیدایش آن به سده‌ی چهارم میلادی بازمی‌گردد که آثار تاریخی این استان نشانگر آن است. سنگ نبشته‌ی بیستون که پیروزی داریوش و به بند کشیدن یاغیان را نمایش می‌دهد، به دوره‌ی هخامنشیان مربوط است. طاق‌بستان که تاج‌گذاری خسرو پرویز را نشان می‌دهد، در دوره‌ی ساسانیان ساخته‌شده و معبد آناهیتا نیز به دوره‌ی اشکانیان مربوط می‌شود.

کرمانشاهیان مردمی مهمان‌دوست و غریب‌نوازند. بسیار متحد بوده، دارای روحیه قوی می‌باشند. زبان محلی آن‌ها کردی است که گویش‌های مختلفی از آن در همین استان به چشم می‌خورد. این گوناگونی در لباس‌های محلی نیز دیده می‌شود. لباس محلی زنان بدین شرح است: سربند که روسری بزرگ ریشه‌داری است، پوشش سر زنان بوده و دختران از کلاه منجوق-دوزی شده استفاده می‌کنند، پیراهن بلندی که از پارچه‌های گل‌دار با رنگ‌های شاد دوخته می‌شود. قبا که پوششی تمام‌قد اما جلو باز است، روی پیراهن پوشیده می‌شود و شلوار جافی. لباس مردان کرد نیز شامل این موارد است: سربند یعنی دستمالی که به شیوه‌ی خاصی بسته می‌شود، فقیانه که پیراهنی با آستین بلند است، سخمه که بر روی پیراهن پوشیده می‌شود، شال برای دور کمر مردان و شلوار جافی. این لباس‌ها ضمن داشتن جلوه‌ای زیبا، راحت بوده و فعالیت روزانه را محدود نمی‌سازند.

مردم هنرمند کرمانشاه از دیرباز در صنایع مختلف ازجمله: گیوه‌بافی، موج‌بافی، نمدمالی، جاجیم، قلم‌زنی، گلیم و قالی‌بافی نقش داشته‌اند. این صنایع‌دستی در اقتصاد و زندگی شخصی مردم روستایی تأثیر به‌سزایی دارد. علاوه بر این، مردم روستا به فعالیت کشاورزی نیز مشغول‌اند و پس از اتمام کار به شکرانه‌ی برداشت محصول مراسمی به نام «جشن خرمن» برگزار می‌کنند.

ازجمله بازی‌هایی که کودکان در روستا به آن مشغول می‌شوند می‌توان به «قمچان» اشاره کرد. قمچان بازی دخترانه‌ای است که به‌صورت انفرادی انجام می‌شود. ابزار کار آن، سنگ‌های کوچک است. این بازی به شیوه‌های گوناگونی اجرا می‌شود. دختران چند سنگ را به هوا پرتاب کرده و با پشت دست آن‌ها را می‌گیرند. بازیکن اول کسی است که سنگ بیشتری پشت دست دارد. سپس سنگی که آن را «قمچ» می‌نامند به هوا می‌اندازد و سایر سنگ‌ها را در این حین جمع می‌نماید. دو بازی «قل قلان» و «زوران» مختص پسران بوده که به ترتیب معادل خروس‌جنگی و کشتی در زبان فارسی است. «زرمشتکی» یا به تعبیری گل‌یاپوچ ازجمله بازی‌هایی است که در شب‌نشینی‌ها انجام می‌گیرد.

عنصر دیگر آداب‌ورسوم، موسیقی است که از گذشته تاکنون نقش مهمی در فرهنگ کردی داشته است. در مراسمات مختلف، از ابزار و سبک‌های مختلفی استفاده می‌شود مانند: دهل، تنبور، سه‌تار، دف و... «هوره» از قدیمی‌ترین نواهای کردی است که در مراسمات شادی من‌جمله نامزدی، عروسی و نام‌گذاری فرزند به کار می‌رود.





## سفر به زیبایی های ایران

بزرگان گفته‌اند: «اول ایران گردی و بعد جهانگردی».

آن قدر زیبایی و مناطق دیدنی در کشور عزیز و چهارفصل ایران وجود دارد که برای ما امکان شناخت همه‌ی آن‌ها میسر و مقدور نمی‌باشد و برای شناخت آن‌ها باید زمان زیادی صرف کنیم. اگر دلتان می‌خواهد که به مکان‌های کمتر شناخته‌شده و دیدنی ایران سفر کنید و با آن‌ها آشنا شوید با ما همراه باشید.

### ۱) دره کال جنی

منطقه‌ای به قول قدیمیان و روستاییان منطقه که جن زده بوده؛ اما اکنون به یک منطقه گردشگری بکر در طبرستان تبدیل شده است. کال جنی یک مسیر است که به دلیل عبور آب و سیلاب‌های متعدد ایجاد شده است. کال جنی یک دره پر آب وسط بیابان داغ طبرستان است. این منطقه به دلیل داشتن دیواره‌ها و تونل‌های متفاوت در بین مردم قدیم منطقه‌ای جن زده و ترسناک به حساب می‌آمده و داستان‌های متفاوتی در وصف آن شنیده می‌شود (دلیل این صداهای مهیب، صدای چرخش باد در میان حفره‌ها و دره‌ها بوده است). محوطه کال جنی دارای تونل، حفره و دخمه‌های بسیاری است و تعدادی آبشار نیز در آن جاری هستند که چشم هر بیننده‌ای را به خود جذب می‌کند. چه کسی فکرش را می‌کرد که در دل یک بیابان خشک، دره‌ای به این زیبایی و پر آبی وجود داشته باشد؟! جالب است بدانید در کال جنی منطقه‌ای نیز وجود دارد که به راحتی می‌توانید تنی به آب زده و یک آب تنی در دل طبیعت را تجربه کنید.

اکثر تونل‌های ایجاد شده در این دره درواقع دست کند هستند و تماماً ساخته دست بشر می‌باشند، این نشان از آن دارد که کال جنی در زمان ساسانیان و زرتشتیان محلی بوده که زندگی در آن جریان داشته است. آب راهه‌های متفاوتی که در مسیر وجود دارد منجر به آن شده تا گیاهان متفاوتی رشد پیدا کنند؛ از این رو کال جنی در فصل بهار و تابستان دارای طراوت و سرزندگی بسیاری است که می‌تواند یک مقصد گردشگری عالی برای شما به حساب آید.

### ۲) بهشت گمشده

در شهرستان مرودشت و کام فیروز منطقه‌ای سرسبز و خوش آب‌وهوا به نام بهشت گمشده وجود دارد که «تنگ بستانک» نام اصلی این مکان است و رودخانه‌های پر آب با درختان انبوه و سر به فلک کشیده‌اش هر بیننده‌ای را به تحسین وامی‌دارد. این منطقه زیبا جزو

مناطق حفاظت‌شده‌ی استان فارس می‌باشد.

درختان زیادی که در این منطقه زیبا وجود دارند آن چنان تراکمی دارند که نور زندگی بخش خورشید به سختی می‌تواند از لابه‌لای شاخ و برگ آن‌ها عبور کرده و رهگذران و گردشگران را نوازش می‌کند.



### ۳) دریاچه‌ی دوقلو سیاه گاو

دریاچه‌ی دوقلو سیاه گاو دریاچه‌ای واقع در شهرستان آبدانان از توابع ایلام است. اطراف این دریاچه طبیعی را دشت‌ها و کوه‌های نسبتاً مرتفع فراگرفته است. این دریاچه را به این دلیل دوقلو نامیده‌اند که به وسیله کانالی طبیعی به عرض هشت متر، عمق چهار متر و به طول هفتاد متر به هم مرتبط هستند. این دو دریاچه دارای آبی زلال هستند به طوری که می‌توان تا عمق سی متری آن را که شبیه آکواریومی پر از ماهی است مشاهده کرد.

«سفر کن تا خاطره‌ای باشی در ذهن آن‌هایی که تو را از نزدیک می‌بینند، اما سعی کن خاطره‌ای خوش بسازی، خاطره‌ای که تو را برای همیشه در خاطر آن روستایی که حتی ثانیه‌ای به چهره‌ی زیبایش لبخند زدی و عشق و انسانیت را به او هدیه کردی بماند».



عاطفه سرخکی-کارشناسی مشاوره و راهنمایی- ورودی ۹۵ شهید صدوقی



## یادداشت فارغ التحصیلان

### سیر سریع تغییرات احوال یک سال اولی!

سیر سریع تغییرات احوال یک سال اولی! همه‌مان می‌دانیم که «اولین» ها، خیلی سخت است. پر از دانستن و ندانستن. پر از سرگردانی. پر از تناقض. در اولین هایمان، تقابل تصورات و واقعیات رخ می‌دهند. زودرنج‌تر می‌شویم و در عین حال بزرگ‌تر. می‌گویند اولین‌ها، در تعیین ادامه‌ی راه، بسیار اثر گذار است. تصمیم گرفتیم دو یادداشت‌مان را به عنوان یک سال اولی برای شما به عنوان کسانی که قرار است این مسیر را طی کنید، ارسال کنم.

عملکرد دانشگاه فرهنگیان موفق است یا ناموفق؟

تا هفته پیش با خود فکر می‌کردم که دانشگاه فرهنگیان عملکرد خوبی نداشته است و اثرات بد و معایبش را برای خودم فهرست می‌کردم. خصوصاً پس از ورود به یکی از دانشگاه‌های تراز اول و مشاهده‌ی تفاوت‌های «از آسمان تا زمین» فارغ‌التحصیلان‌شان با دانشگاه فرهنگیان از نزدیک، دچار کمبود اعتماد به نفس شده بودم. بگذارید مثال کوچکی برایتان بزنم: نیمی از همکلاسی‌هایم، فارغ‌التحصیل دانشگاه فرهنگیان هستند که از قضا در زمینه زبان انگلیسی، فاجعه‌های تمام عیارند! اطلاعات بین‌المللی‌شان که کولاک می‌کند!! (در این‌جا چند کلمه کلیدی تعریف می‌کنم و تا آخر پاراگراف ازشان استفاده می‌کنم. به پاورقی مراجعه کنید۱). با چنین اوصافی، مجبور به گذراندن درسی پیش‌نیاز شدیم و با دانشجویان کارشناسی‌شان، هم‌کلاس. اولین تفاوت جالب‌شان با «ما»، جزوه برداری‌شان به زبان انگلیسی بود! آن وقت «دوستان» در کسوت دانشجوی ارشد، در یک لغت ساده انگلیسی هنگ می‌کردند و دست می‌گرفتند و معنی لغت می‌پرسیدند! یا بلند می‌گفتند: «میشیگان کجاست؟» و همین‌ها باعث می‌شد جوجه‌های کارشناسی بر پیشانی‌شان بزنند و همراه با نگاهی تاسف‌بار به تمسخر بپرسند: «تو دانشجوی ارشد هستی؟!». بعدها نیز در مواقعی اساتید مثلاً یواشکی از یک‌دیگر می‌پرسیدند: دوستان دانشجوی کارشناسی هستند یا کارشناسی ارشد؟!

در مورد مدرسه هم اگر سکوت کنم بهتر است؛ زیرا ما الفبای معلمی را خودمان با آزمون و خطا و از روی تجربه کشف نمودیم! «دقت کنید: ما فنون مسلم معلمی را خودمان یافتیم! اکنون یک هفته است که دیگر اصطلاحاً:» به اینجایم رسیده است.

دانش‌آموزان برای من الهام‌بخش هستند و آن‌ها مرا به این نتیجه رساندند که درمورد عملکرد ناموفق دانشگاه فرهنگیان اشتباه کرده‌ام. دانشگاه فرهنگیان عملکردی موفق دارد! به گونه‌ای که تعلیماتش روی من نیز اثر کرده‌است.

به این موضوع توجه کنید که چهار سال کارشناسی در شکل‌گیری شخصیت تاثیر گذار است. حال این چهار سال را به گونه‌ای تصور کنید که برای تو از «وظیفه» ات می‌گویند.

در این چهارسال به تو می‌گویند چه کاری بهتر است. چگونه می‌توانی بهتر به دانش‌آموزانت آموزش بدهی و چگونه می‌توانی

حالشان را خوب کنی؟

در این چهارسال، درس اخلاق حرفه‌ای و درس اصول و قوانین آپ، تنها دروسی هستند که می‌توانند به تو از «حقوقت» بگویند؛ که دانشگاه آن‌ها را ترم‌های آخر ارائه می‌دهد و این در حالیست که تو به «پیچاندن» کلاس‌هایت عادت کرده‌ای و در نتیجه در آن کلاس‌ها حضور نداری!

ما چهارسال - به مسخره‌ترین و سطحی‌ترین شکل ممکن - در معرض دروسی با هدف «چگونه دانش‌آموز حالش خوب باشد» بوده ایم. آموزشی برای این که چگونه در کلاس راه برویم و یا چگونه روی صندلی‌مان بنشینیم تا کمترین آسیب به ستون فقرات و کمرمان برسد به ما ارائه نشد. بهمان نگفتند که در تعاملات با مدیر و همکار چگونه برخورد کنیم.

به ما گفتند که وقتی معلم می‌شویم، در واقع عضو یک سازمان می‌شویم و جزئی از آن محسوب می‌شویم. مارا حرص‌خور جامعه و دغدغه‌مند مشکلات اجتماعی و فرهنگی و... تربیت کردند و هرگز درباره‌ی مطالباتی که باید داشته باشیم، چیزی نگفتند! ما را نگران بازده کلاس و چگونه نوشتن طرح درس و... بار آوردند، سرمان را با این افکار پر کردند که یک موقع «بیکار» نشویم و به خواسته‌هایمان فکر نکنیم.

سپس وارد محیط کار می‌شویم. سال‌های اول خیلی سخت است چون ما تلاش می‌کنیم بهترین روش‌ها را کشف و اجرا کنیم، تدریسمان را ارتقا ببخشیم و به بهترین نحو ممکن سوال طراحی و تایپ کنیم؛ به عادلانه‌ترین روش ممکن برگه‌ها را تصحیح، آنالیز و بررسی کنیم و به برگه‌ها نمره بدهیم. خلاصه‌ی امر اینکه چگونه همه چیز را گل و بلبل کنیم و دانش‌آموزانمان، همکارانمان، مدیر، اداره، والدین و... را راضی نگه داریم.

و در این رابطه همکاری به من گفت: «تو سال اولی هستی، من هم سال اول فکر می‌کردم همه را باید راضی نگه دارم!»

و «ما» معلمی می‌شویم که در راه خدا از وقت استراحتش می‌زند و می‌رود از همکاری‌هایش می‌کند وقت کلاس ورزش خود را قرض دهد تا درسش را پیش ببرد. این گونه بهای خود و معلمی و همکارانمان را پایین می‌آوریم تا دانش‌آموز و مدیر و والدین فکر کنند ما به عنوان یک معلم وظیفه‌داریم برای دانش‌آموزان، کلاس اضافه بگذاریم؛ که آنها وقت کلاس اضافه را برایمان تعیین کنند و بگویند فلان روز، فلان ساعت بیا و ما بگوییم وقت نداریم آن‌ها چهره درهم بکشند که: «وا! شما که مجردید؛ شما که سال اولتان است؛ شما مگر چه کاری دارید که وقت ندارید؟»

دانش‌آموزان، عمیقاً الهام‌بخش معلم هستند. یچند روز پیش، یکی از دانش‌آموزانم برای سومین بار دست گرفت و جمله‌ای را با بیانی متفاوت برایم بازگو کرد: «خانم اجازه؟ به نظر من، شما بیش از حد خودتان را اذیت می‌کنید و به ما توجه می‌کنید و زیاد برایمان وقت می‌گذارید». بعدها با گذشت زمان و از روی تجربه متوجه شدم که طرح درس و این داستان‌ها، کلهم اجمعی کشک است و دوغ! ما باید به مبحث و کتاب مسلط باشیم و بدانیم چه می‌خواهیم بگوییم. اما شیوه‌ی بیانمان موضوع مهمتری است که آن‌را «کلاس» و «دانش‌آموزانش» تعیین می‌کنند؛ یعنی درصد قابل توجهی از کارمان را در کلاس درس تعیین می‌کنیم و ندانستن

## یادداشت استاد

پیامبر (ص): کسی که راه علم‌آموزی را می‌پوید خداوند او را در راهی به‌سوی بهشت پیش می‌برد. واژه دانشجو در دین ما بسیار مقدس است چنانکه شهادت صاحبان علم در کنار شهادت ملائکه آورده شده است. دانشجو معلمان به‌عنوان قشر باسواد و فرهنگی جامعه دارای شخصیت اجتماعی پذیرفته‌شده هستند و به دلیل آنکه سرمایه‌ی انسانی جامعه در دست آنان پرورش می‌یابد بسیار مورد الگوبرداری قرار می‌گیرند. یکی از مهم‌ترین مسائل در دانشگاه‌ها شکل‌گیری فرهنگ عمومی علم است. باوجوداینکه کشور ما یک جامعه آموزش عالی دیده است و در اغلب خانواده‌ها افرادی با تجارب دانشگاهی حضور دارند بااین حال علم در زندگی فردی و اجتماعی ما حضور ندارد. اکنون وظیفه خطیر دانشجویان است که خود به تولید علم بپردازند. البته مقدمات برنامه‌ریزی و اهتمام شدید به بهره‌وری از وقت و امکانات دانشگاه موجب می‌شود تولید علم از شعار و آرمان به درآمد و صورت عمل به خود پذیرد.

دکتر نصرت بانو عزیزی



این موضوع و گمراه شدن مان در اول کار، مبهوت‌مان می‌کند. همین دیروز، همکاران شوخی و خنده دستم می‌انداختند که: «فلانی یادت هست که همان روز اول که آمده بودی، آنقدر داغ بودی که بعد از اولین سلام، پرسیدی: پروژکتور کلاس‌ها وصل است؟»

و این‌ها بخشی از حرف‌هایی بودند که مرا به این نتیجه رساندند که دانشگاه فرهنگیان در رسیدن به هدفش موفق بوده و مارا «کارکنانی» مسئولیت‌پذیر، فداکار و ازخودگذشته «ترتیب» کرده است که دغدغه‌ی شبانه‌روزی‌اش، دانش‌آموزانش باشد.

من به شخصه؛ بعد از یک ماه، شاید هم دو ماه؛ صبح‌ها هنگامی که می‌خواهم از خواب برخیزم، مثل آن اول‌ها انگیزه‌ای ندارم. آن اول‌های کارم، ساعت ۳:۳۰ بامداد بیدار می‌شدم تا کتاب را بررسی کنم، جزوه بنویسم و اسلاید آماده کنم و... اما اکنون هر صبح بعد از بیدار شدنم از خود می‌پرسم: آیا این حجم از کار با حقوقی که می‌گیرم تناسبی دارد؟! آیا عدالت در مورد من اجرا می‌شود؟! مخلص کلام: شما که هنوز اول راهید، خودمراقبتی را تمرین کنید و خود را فدای شغلتان نکنید!

یادداشت‌های یک «پا گذاشته در راه» سرگردان! بعدنوشت: اکنون ابتدای اسفندماه است و تا حد خوبی بالانس شده‌ام! یاد گرفته‌ام که کمال‌گرایی‌ام را کنترل کنم. قرار نیست مورد قبول همه باشم و نباید انتظار داشته باشم دانش‌آموزانم در پایان سال، اندیشمندان رشته‌ی من شوند. حالا، می‌دانم که خوب بودن حالم، با گذشت از کنار بسیاری ناملازمات صورت می‌گیرد. همه چیز باید در حد تعادل باشد. اهمیت دادن به دانش‌آموزانم را متعادل کرده‌ام و توانسته‌ام به آرامش برسم. بی‌انگیزگی دانش‌آموزان، مثل قبل در ذوقم نمی‌زند. کاستی‌های همکاران در رعایت اخلاق حرفه‌ای، چندان فکرم را درگیر نمی‌کند. قضاوت‌های نابجا، حالم را کمتر خراب می‌کند. سعه‌ی صدر پیدا کرده‌ام و در برابر توهین آشکار دانش‌آموزان، آرامشم را از دست نمی‌دهم. و به یک نکته‌ی عمیق دست پیدا کرده‌ام: «اگر جایی یک گروه انسان نتیجه‌گرا دیدی، بلافاصله ترکشان کن. همین.»

در دانشگاه نیز، کمتر از دست دوستان! حرص می‌خورم. سعی می‌کنم تا حد ممکن اثربخش باشم و بعد از آن، راهم را از آنان که قبولشان ندارم جدا کنم. تلاش کنم و بپذیرم دیگران کامل نیستند. اگر هم گذشته‌ام بخاطر رفتار نابجای کسی خراب شد، ره‌ایش کنم، اکنونم را بچسبم و برای اهدافم بجنگم.

اکنون، بعد از گذشت سه ماه، دیگر درگیر اثرات آزاردهنده‌ی دانشگاه فرهنگیان نیستم. هرچه بود، گذشت. حتی اگر اکثر مواقع بد گذشت! درس‌هایم را گرفته‌ام و دیگر ذهنم کوچک‌ترین جایی برای فکر کردن به آن‌جا ندارد. باید روی اهداف متمرکز شد. این، تنها راه رسیدن به هدف و خوب شدن احوالمان است.

[۱] دانشگاه مقصد تراز اولم = «اینجا»

دانشگاه فرهنگیان = «آن‌جا»

همکلاسی‌های دانشگاه فرهنگیانم در اینجا = «دوستان»

خودم + دوستان = «ما».



## سربى کلاه؛ قلم اعضا

آبیاری می‌کرد و مردم ده برای برداشتن آب به چشمه می‌آمدند و به او خسته نباشید می‌گفتند، یا روزهایی که با دوستانش دورهم جمع می‌شدند، چه شبهایی که با پدر و مادرش و تنها خواهر کوچکش، روی طارمی می‌نشستند و به قل قل سماور گوش می‌کردند. صدای بلبل خانه باغ، روحش را نوازش می‌داد. چه روزهای خوشی بود. چه کسی فکرش را می‌کرد روزی برسد که این بدبختی گریبان گیر مردم ده شود.

لحظه دستگیر شدنش را خوب به یادداشت. سر زمینش بود و مشغول درو کردن گندم‌ها که ناگهان سردی چیزی را روی شقیقه‌اش احساس کرد. داس از دستش افتاد. گلویش خشک شده بود. فقط صدای حرف‌های یک مرد را می‌شنید که به زبان عربی به او چیزهایی می‌گفت. چشم‌ها و دست‌هایش را بستند و به جایی که خودش هم نمی‌دانست کجاست بردند. وقتی به مقصد رسیدند و چشم‌هایش را باز کردند، دوستان و همروستایی‌هایش را دید، آه از نهادش بلند شد. کاش می‌شد از این محمصه رهایی یابد. افسوس که آزادی خیالی واهی بیش نبود و هیچ راه گریزی وجود نداشت. دوباره به چشمان باز دوستانش نگاه کرد. سرهای بریده شده هراسان به او چشم دوخته بودند. کاش می‌توانست فریاد بزند و کمک بخواهد، اما نای حرف زدن هم نداشت. او را روی زانو به زمین نشانده بودند. سروصورتش زخمی بود اما دردی احساس نمی‌کرد. تنها قلبش بود که از این مصیبت به درد آمده بود و تنها قلبش بود که شیون می‌کرد.

چشمانش را بست. قطره اشکی از چشمش فروچکید و روی گونه‌اش سر خورد و آرام آرام تبدیل به هقهقه خفه شد. باورش نمی‌شد. آرزو کرد که ای کاش خواب ببیند. کاش می‌توانست سیلی‌ای به خودش بزند تا از خیال یا واقعیت داشتن این قضیه آگاهی یابد. کاش دعا‌های مادرش می‌گرفت. کاش می‌توانست بازهم زندگی کند. کاش می‌شد زنده بماند و برای پدر و مادر پیرش، نوحه‌روس ببرد و در روزگار پیری، عصای دست آن‌ها باشد؛ اما نمی‌شد. دیگر آرزویی محال بود. همه دوستانش را جلوی چشمانش سر بریدند و او نمی‌توانست کاری کند. اگر گیرشان نمی‌آوردند، چه می‌شد. لابد الآن داشتند سر زمین‌هایشان کار می‌کردند و خرج خانواده‌های فقیرشان را می‌دادند. «خدای من! بعدازاین، پدر و مادر پیرم چگونه روزگار بگذرانند. یقیناً دوام نمی‌آورند».

با این فکر قلبش به درد آمد. سرهای بریده شده دوستانش جلوی پایش افتاده و در خون خود غوطه‌ور بودند. دیگر دلش طاقت نیاورد و با صدای بلند گریست. آن دوستانی که از بچگی باهم صمیمی بودند، حالا اسیر چنگال یزیدی‌های عراق شده بودند. ای کاش حداقل دوستانش اسیر نمی‌شدند. دیگر به خودش فکر نمی‌کرد. «کاش خودم به تنهایی گیر می‌افتادم.» می‌دانست زیاد زنده نمی‌ماند. دوستانش تک‌تک با شمشیر تکفیری‌ها سربریده شده بودند. بی‌حس شده بود. با تمام بدبختی‌ها و نداری‌ها چه روزگار خوبی داشتند. روزهایی که زمینش را با آب چشمه



صدای ضربه‌های پیایپی شمشیر که به گردن دوستان و هم‌روستایی‌هایش نواخته شده بود، وجودش را به آتش می‌کشید. چرا آن‌ها انسانیت نداشتند؟ چرا دلشان به حال مردم بدبخت نمی‌سوخت؟ چرا وجدان خفته‌شان بیدار نمی‌شد؟ خود او وقتی راه می‌رفت مواظب بود که حتی پا روی مورچه‌ای نگذارد؛ اما آن‌ها به انسان‌ها هم رحم نمی‌کردند.

باور نمی‌کرد که آن‌ها به نام اسلام آدم بکشند. به‌جز او سه نفر دیگر هم زنده بودند. کاش می‌توانست لااقل آن‌ها را نجات دهد؛ اما نمی‌شد و این تمام وجودش را به آتش می‌کشید. نفر بعدی دخترکی بود که ده، دوازده سال بیشتر نداشت. رنگش پریده بود. فریاد می‌زد. اشک‌های دخترک تمام صورتش را خیس کرده بود. لب‌هایش خشک شده و ترکیده و از آن خون جاری شده بود. دیگر نتوانست نگاه کند. گریه دختر شدت گرفت. با صدای بلند ضجه می‌زد! با صدای شمشیر که به گردن دخترک نواخته شد، چشمانش را باز کرد. سر دخترک، جلوی پایش افتاده بود. جسم بی‌سر روی زانو نشسته بود. بدن بی‌جان‌ش روی سرش افتاد. اشک و خون درهم آمیخته شده بود. چشمان نگران دخترک هم به او خیره شده بود. به تکفیری‌ها نگاه کرد. شمشیرهایشان را بالا برده بودند و با فریاد الله اکبر، الله اکبرشان، می‌رقصیدند. با نام اسلام و با شعار الله اکبر، سرهای بی‌گناه را از تن جدا می‌کردند. نام مبارک الله بر دهان آن خوک‌های آدم‌نما بود و او نمی‌توانست کاری کند. اگر یک شمشیر داشت، سر همه‌شان را می‌برد. نمی‌گذاشت نام مقدس الله بر آن دهان‌های کثیف جاری شود. شنیده بود که داعشی‌ها همه را می‌کشند و می‌گویند هیچ ایزدی‌ای نباید زنده بماند؛ ولی به‌جز گریه کردن، کاری از دستش برنمی‌آمد.

«داعش!» این کلمه دور سرش می‌چرخید. قیل از آن که گیر بیفتد، چقدر از آن‌ها می‌ترسید؛ اما حالا ترسش به خاطر دوستانش بود. کاش اول او را می‌کشتند تا مرگ دوستانش را نمی‌دید. نوبت به پیرمرد دست بسته‌ای رسید. لاغراندام بود و پوست آفتاب‌سوخته‌ای داشت. وصله‌های لباسش دهن کجی می‌کردند. دست‌های پینه‌بسته‌اش را با طناب بسته بودند؛ اما این پیرمرد فریاد نمی‌زد، لابه نمی‌کرد و غرورش را نمی‌شکست. یکی از آن بی‌رحم‌ها، با دسته شمشیر ضربه‌ای سخت به پهلویش زد که باعث شد پیرمرد آخ بگوید و زانو بزند. در یک‌چشم به هم زدن، سر او را نیز از تن جدا کردند. چشم‌های پیرمرد بازمانده بود و با نگرانی به او دوخته‌شده بود. خون فواره می‌زد و یک قطره روی پیشانی‌اش افتاد. خون داغ وجودش را به آتش کشید. چشمانش را بست. دیگر هیچ نمی‌فهمید و دیگر هیچ احساس نمی‌کرد. باز هم فریاد الله اکبرشان در گوشش

پیچید. با درماندگی در دل به آن‌ها ناسزا می‌گفت. مردمک چشمانش روی جسدهای بی‌سر می‌گشت. باورش نمی‌شد آن هم‌بازی‌ها که بچگی‌اش را با آن‌ها سر کرده بود، حال بی‌جان و بدون سر رو به رویش در خون خفته باشند. وحشت کرد! از چشم‌های آبی پیرمرد که با وحشت به او دوخته‌شده بودند، ترسید! ناگهان، صدای جیغ زنی باعث شد تا چشم از چشم‌های آبی پیرمرد برگردد. با شکم برآمده‌اش التماس می‌کرد، برای زنده ماندن خود و فرزندش که در شکم داشت. بیچاره زن! حتماً برای به دنیا آمدن فرزندش لحظه‌شماری می‌کرد و لابد اسمی هم برایش انتخاب کرده بود. هم‌روستایی‌اش بود. شوهرش مردی فقیر و ساده‌دل بود.

هشت سال از نعمت فرزند بی‌بهره بودند. از روستا تا شهر مسافت زیادی بود، اما تابستان و زمستان در حال رفت‌وآمد به شهر بودند، به این امید که زن درمان و چراغ خانه‌شان روشن شود. هرچه داشتند و نداشتند، خرج دوا و دکتر کردند. بعد از هشت سال زن باردار شده بود و این‌گونه گرفتار. انگار روزگار نمی‌خواست او لذت مادر شدن را بچشد. تقدیر مانع آن می‌شد که از سر مهر بوسه‌ای بر گونه فرزند خویش بگذارد. جیغ‌های ممتد زن فرصت اندیشیدن را از او گرفت. کاش می‌توانست او را نجات دهد. اگر می‌توانست خون آن بی‌رحم‌ها را می‌مکید. اگر می‌توانست با همان شمشیر، قلب تک‌تکشان را از سینه‌شان بیرون می‌کشید؛ اما افسوس که راه گریزی نبود. باز هم صدای ضربه شمشیر! تمام شد! سر بریده شده با چشم‌هایی باز به او خیره شده بود. گویی دلهره بود که در آن چشم‌ها موج می‌زد!

حال نوبت به خودش رسیده بود. باز هم به آن چشم‌های باز و جسم‌های بی‌جان نگاه کرد. گویی برای این مصیبت از چشمانشان خون جاری بود، آری داشتند برایش خون می‌گریستند. در آن واپسین لحظات، نگاهش را از برق شمشیرهایی که در آسمان در حال رقصیدن بودند گرفت. چشمانش را بست که با همه‌چیز وداع کند. با مردم روستا، پدر و مادرش و... دلش طاقت خداحافظی نداشت، آن‌هم برای همیشه. چشمانش را باز کرد و با صدای بلند گریست. نگاهش به برق شمشیر افتاد که به‌سوی گردن او در حرکت بود. شهادتین را خواند و در چشم بر هم زدن، سر بی‌گناهش جلوی پاهایش در خون غلتید. چشم‌های باز، به افق خیره شده بود. انوار سرخ‌رنگ آفتاب ساطع‌شده بود. گویی با قلم مویی بر بوم آسمان، طرح خون پاشیده شده بود و باز هم این صدای الله اکبر داعشی‌ها بود که فضا را پر کرده بود.

## غبار از کتابی بتکانیم

### نام کتاب: کافه‌ی چرا

نویسنده: جان پ. استرلکی (مهرناز شیرازی عدل)

درباره‌ی کتاب: کافه‌ای که پرسش‌هایتان را می‌توانید آنجا پیدا کنید. در حقیقت این کتابی است که حداقل یک‌بار در زندگی هرکسی به آن نیاز دارد برای کمی فکر کردن و یادآوری اینکه «چرا اینجا هستیم؟ حقیقت وجودی من چیست؟» در دستش بگیرد. داستان این کتاب از آن قرار است که جان در شبی که تصمیم گرفته برای مدتی دست از کار بکشد و به قول خودش «باتری‌هایش را شارژ کند»، در جاده گم می‌شود و از کافه‌ای در ناکجاآباد سر درمی‌آورد. جان در این کافه برای نخستین بار در زندگی با پرسش‌های زیر مواجه می‌شود:

چرا اینجا هستید؟

آیا از مرگ می‌ترسید؟

آیا از زندگی احساس رضایت می‌کنید؟

این کتاب شما را وادار می‌کند به زندگی از زاویه‌ی دیگری نگاه کنید.

فاطمه سادات ایزدی اونجی-کارشناسی آموزش ریاضی - ورودی ۹۴ شهید صدوقی

### کتاب: سال‌های ابری

نویسنده: علی اشرف درویشیان (نویسنده کرمانشاهی)

درباره‌ی کتاب: درویشیان در این رمان، که به سبک رئالیسم جادویی نوشته شده است؛ فقر و تبعات آن؛ همچون بیماری و کار کردن زنان را به تصویر کشیده است. این رمان، دیدگاه حزبی نویسنده و نیز جنایاتی که در زندان‌های ساواک اتفاق افتاده است را نشان می‌دهد. از طرف دیگر این رمان، زندگی‌نامه‌ی نویسنده است که مسائل جامعه را به‌خوبی به نمایش می‌گذارد. در این رمان به باورهای خرافی و اعتقادات جامعه نیز اشاره شده است که بر ارزش آن می‌افزاید. قسمت‌هایی برجسته از این کتاب:

همه چیز از باریکی پاره می‌شود؛ ظلم از کلفتی!

دلهره شنبه در دلم است. آن همه مشق و جدول ضرب و معلم نامهربان که مسئله‌هایی سخت می‌گوید. از تاجرهای فرش-فروش، روغن‌فروش و پارچه‌فروش. هیچ‌وقت نمی‌گوید، حمالی بود که فلان مقدار بار برداشت. زن رخت‌شویی بود که روزی چند تشت رخت می‌شست. همیشه می‌گوید تاجری بود که... روغن‌فروشی بود که... آهن‌فروشی بود که... برنج و گندم‌فروشی بود که... اگر از بیچاره‌ها مسئله بگویند، ساده‌تر است. چون بیچاره‌ها پول و دارایی‌شان کم است و مسئله‌شان زود حل می‌شود. ما چه گناهی کرده‌ایم که پول به کاغذ و مداد بدهیم و سود و زیان پولدارها را مفتکی برایشان حل بکنیم.

عاطفه رحمتی سلیمانی-کارشناس علوم تربیتی - ورودی ۹۶ شهید صدوقی





## چهلمین اقتدار

وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا

و بگو حق آمد و باطل نابود شد آری باطل همواره نابودشدنی است. ﴿سوره اسراء - آیه ۸۱﴾

انقلاب اسلامی ایران یکی از بزرگ‌ترین رویدادهای تاریخی در قرن بیستم است. جهان در سال ۱۳۵۷ شمسی شاهد ظهور یک جهان‌بینی و خیزش یک ایدئولوژی با نام انقلاب اسلامی شد. قطعاً در حافظه تاریخی ملت ایران و ملل دنیا خواهد ماند که رادمردی از تبار ائمه (ع) و فقط با پشتوانه ایمان، با مبارزات پانزده‌ساله خود توانست تمام افکار جهانیان را به خود جلب نماید. او در آخرین یادگاری‌های خود می‌گوید: این انقلاب دستاورد میلیون‌ها انسان ارزشمند است.

این انقلاب سیطره استعمار را در ایران برای همیشه از بین برد و سعادت فرزندان کشور را بیمه نمود. رهبری فرهمند کاریزماتیک با رویکرد اسلامی امام خمینی توانست بر کلیه فرمول‌های حسابگرانه غربی‌ها در جهان پیروز گردد. او علاوه بر اینکه خود را سرباز دین و مکتب می‌دانست، از مشروعیت مردمی نیز بهره می‌جست و رفراندوم او برای تأیید انقلاب اسلامی یکی از بی‌نظیرترین جلوه‌های حضور مردم در عرصه اجتماعی است.

یاد آن روزی که بهمن گل ببار آورده بود

وان زمستانی که مستان را بهار آورده بود

یاد باد آن دل‌تپیدن‌های مشتاقان یار

انقلاب اسلامی ایران آغازگر گفتمان جدید و متفاوتی بود که می‌توان تأثیرات آن را حتی پس از گذشت چهار دهه از زمان پیروزی آن، در سطوح داخلی، منطقه‌ای و حتی جهانی به‌خوبی مشاهده نمود. حجم انبوه آثار و منابعی که در مورد انقلاب اسلامی توسط محققان خارجی و داخلی پدید آمده است نشان از اهمیت، عظمت و تأثیرات این انقلاب بزرگ دارد.

به این مناسبت ورقی می‌زنیم در دفتر خاطرات انقلاب...

شاید نقش دانش‌آموزان در پیروزی انقلاب کمتر موردتوجه قرار گرفته شده باشد اما این قشر اثرگذار در حرکت شورانگیز مردم تأثیر ویژه‌ای داشته‌اند؛ از همین رو به سراغ خاطرات دانش‌آموز انقلابی آن سال‌ها رفتیم تا خاطره‌ای از نقش‌آفرینی دانش‌آموزان در حرکت‌های انقلاب را بیان کند. زهرا شهریار پور مدرس مدرسه علمیه الزهراء بوشهر که در سال ۵۷ در بندر امام (سر بندر) ساکن بوده از خاطرات ۱۵ سالگی خود در روزهای انقلاب می‌گوید.

اوایل مهر سال ۵۷ بود یکی از همکلاسی‌هایم که گرایش کمونیستی داشت به من گفت بیا باهم بچه‌های مدرسه را جمع کنیم و یک راهپیمایی علیه

وضع موجود راه بیندازیم. آخر شهر ما شهر کارگری بود و کمونیست‌ها هم در مجامع کارگری از نارضایتی‌های موجود سعی می‌کردند به نفع خود استفاده کنند. من با توجه به صبغه مذهبی خانوادگی و همچنین شور و اشتیاقی که یک دختر نوجوان ۱۵ ساله دارد قبول کردم. مدارس تعطیل بود اما چون شهر ما سر بندر (بندر امام) شهر کوچکی بود، آدرس منزل همکلاسی‌ها را داشتیم به تکتک خانه‌هایشان رفتیم و گفتیم فردا صبح همه به مدرسه بیایید مدرسه فردا باز است. شب را نمی‌دانم چطور به سحر رساندم. قران را بوسیدم لباسم را پوشیدم و راهی مدرسه شدم.

مدتی که گذشت یکی‌یکی بچه‌ها آمدند. حدود ۳۰ نفر که شدیم اولین راهپیمایی شهرمان را رقم زدیم. ابتدا چون این راهپیمایی را افرادی با گرایش کمونیستی هدایت می‌کردند همه را وادار به شعار نان، مسکن، آزادی کرده بودند. هنوز یک خیابان را تا انتها نرفته بودیم که چند جوان بوشهری که برای سر زدن به فامیل‌هایشان آمده بودند از راهپیمایی‌هایی که در بوشهر بود شعارهای انقلابی جریان اسلامی را یاد گرفته بودند. پس پیشگام شدند و شروع کردند به شعار دادن و همه‌ی ما پشت سر آن‌ها با بغض و غیرت خاصی تکرار می‌کردیم "بگو مرگ بر شاه"، "یا مرگ یا خمینی"، "استقلال آزادی، جمهوری، اسلامی" و...

کمونیست‌ها که این شعارها را می‌شنیدند، می‌ترسیدند و به همه می‌گفتند فقط شعارهای ما را تکرار کنید و بگویید نان مسکن آزادی. اما دیگر حریف جمعیتی که حالا تقریباً پنج الی شش هزار نفر شده بودند نمی‌شدند. وقتی نماینده کمونیست‌ها خواست قطع‌نامه را بخواند فقط گفت ما امکانات رفاهی برای شهر می‌خواهیم، ما استخر می‌خواهیم، ما کلوپ‌های مختلف می‌خواهیم که صدای جمعیت بلند شد.

بعد امام جماعت یکی از مساجد شهر حاج‌آقای آل غفور رفتند تریبون را از او گرفتند و برای مردم روشنگری کردند. اینکه کمبود کشور ما اگرچه نان و مسکن هست اما این‌ها اولویت ما نیست. همه‌ی مردم استقلال آزادی جمهوری اسلامی می‌خواهند.

صدای صلواتی که بین جمعیت بلند شد شهر خاموش شده‌ی ما را تکانی داد و گروه‌های مختلف از جمله کمونیست‌ها را خاموش کرد و این شد آغازی برای راهپیمایی‌های بعد که الحمدالله بهمن همان سال به لطف خدا و حضور مردم غیور ایران طعم پیروزی را چشیدیم.

### نقش معلم در پررنگ کردن ارزش‌های انقلاب

می‌توان مدرسه را مهم‌ترین واسطه انتقال دانش و مهارت فنی دانست و بر همین اساس در دوره نخست‌وزیری شهید رجایی و در دوران تصدی شهید باهنر در وزارت آموزش و پرورش آن‌ها به تأسیس ستادهای امور تربیتی در مدارس کشور اقدام کردند تا فرهنگ اسلامی را گسترش دهند و دانش‌آموزان را به حرمت نهادن و عمل به ارزش‌های اسلامی ترغیب کنند. پاسداری از ارزش‌های اسلامی و دستاوردهای انقلاب، برنامه‌ریزی و ایجاد هماهنگی بین عملکرد عوامل تربیتی، توجه جدی به نقش معلمان در فعالیت‌های تربیتی و توجه به نقش دانش‌آموزان در فعالیت‌های تربیتی از جمله اهداف آموزش و پرورش است.

شهید بزرگوار، رجایی فرهنگیان را سربازان انقلاب در آموزش و پرورش نامید و بنا به گفته شهید باهنر «مربیان زمانی با انبیا هم‌صف و با امام عادل هم‌ردیف هستند که آموزش را از محتوای تزکیه پر کنند» و چه پرمعناست کلام امام (ره) که می‌فرمایند: «اگر تهذیب در کار نباشد علم توحید هم به درد نمی‌خورد». این نهاد از بدو شکل‌گیری تا به امروز مجموعه وسیعی از عملکردها و وظایف متعدد و گوناگونی را به عهده داشته و تحقق امر تربیت را منوط به حضور مربی و فعالیت‌های رسمی غیر کلاسی در کنار آموزش‌های کلاسی می‌داند.

اهداف و اصول مشروحه زیر علل اصلی تشکیل این نهاد انقلابی پرورشی است که عبارت‌اند از انتقال

ارزش‌های دینی و فرهنگی انقلاب اسلامی به مدارس و تربیت و بازسازی دانش‌آموزان در فضایی انقلابی و اسلامی زمینه‌سازی برای ورود نگرش‌های دینی و ارزش‌های انقلاب اسلامی به نظام آموزش و پرورش و حفظ مدارس از آفات فرهنگی و سیاسی.

مهم‌ترین اهداف تشکیل امور تربیتی را حراست از مرزهای اعتقادی و حفظ دستاوردها و تبیین ارزش‌های انقلاب در مدارس باید دانست. چرا که انگیزه‌های انقلابی و اسلامی همراه با شعار «مربیان امور تربیتی سربازان انقلاب‌اند» موجب تأسیس این نهاد انقلابی شده است.

این مجموعه در طی سال‌های شکل‌گیری خود تلاش گسترده‌ای را در جهت رفع کاستی‌ها و پرورش مذهبی و انقلابی دانش‌آموزان به انجام رسانده است. ارزیابی فعالیت‌ها نیاز به شناختن اهداف و راهبردهای اجرایی دارد. لذا فعالیت‌های امور تربیتی باید همراه و هم‌قدم با نظام پرورشی باشد تا بتواند نسبت به رسالت و نقش خویش و اهداف بنیادی این نهاد جامعه عمل ببوشاند. قابل‌ذکر است که طرح امور تربیتی همه ارکان آموزش و پرورش را با محوریت معلمان، کتاب‌های درسی، نظام ارزشیابی، خانواده و دانش‌آموز در برمی‌گیرد.

علی امیری - کارشناس علوم تربیتی - ورودی ۹۶ پردیس شهید رجایی

به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی فرهنگ ایشار و شهادت - تارنمای

<https://sorsore.com/memories-of-revolutionary-student>



## اگزیستانسیالیسم

را بی‌جواب نگذاشته‌اند، برای نمونه در پاسخ به اینکه این فلسفه سبب دوری افراد بشر از هم می‌شود اظهار می‌کنند که اعمال و تصمیم انسان‌ها حتی در پیشامدهای انفرادی بر سایر آدمیان تأثیرگذار است، برای مثال فردی که تصمیم می‌گیرد ازدواج کند و صاحب فرزند شود، علاوه بر اینکه خود را ملتزم به این امر ساخته، دیگران را نیز به انتخاب همسر ملتزم و تشویق کرده است و نیز بیان می‌کنند زمانی که می‌گوییم بشر مسئول وجود خود است بدین معنی نیست که انسان فقط مسئول فردیت خویش است بلکه مسئول تمام افراد بشر می‌باشد و همین امر دلهره‌آور است.

حال که تا حدودی با این فلسفه آشنا گشتیم به کاربرد آن در آموزش و پرورش بپردازیم. لازم است ذکر شود چهره‌های نامدار اگزیستانسیالیسم به‌طور مستقیم در نوشته‌ها و گفته‌های خود به این موضوع نپرداخته‌اند اما طبق آنچه از اگزیستانسیالیسم برمی‌آید رابطه‌ی معلم و متعلم محدود به درس و برنامه‌های آموزشی نمی‌گردد بلکه آن‌ها قبل از داشتن این ارتباط انسان‌اند و هرکدام شخصیت جداگانه دارند که توجه مخصوص به خود را می‌طلبند.

بر اساس این تفکر، معلم، دانش‌آموز را راهنمایی می‌کند که خود را بشناسد، نسبت به خود به آگاهی برسد و این بیداری و آگاهی تقویت شود. دانش‌آموزان با هدایت معلم به تحقیق می‌پردازند و درگیر درس می‌شوند. اگزیستانسیالیست‌ها روش تدریس سقراط را که با سؤال شروع می‌شد و با پاسخ شاگردها و پرسش‌های بیشتر توسط معلم ادامه می‌یافت را می‌پسندند اما این روش کمتر مناسب موضوعات عینی است. دیگر اینکه سعی می‌شود محتوا طبق علاقه و نگرش متعلم تنظیم شود گرچه هنر، ادبیات و دروس انسانی ترجیح داده می‌شوند.

هستی کریمی - کارشناس علوم تربیتی - ورودی ۹۵ شهید صدوقی

احتمالاً تاکنون جملاتی چند از فیلسوف مطرح، ژان پل سارتر Jean-Paul Sartre را خوانده و نامش را شنیده‌اید. سارتر از فیلسوفان به نام مکتب اگزیستانسیالیسم (فلسفه‌ی اصالت وجود) است. از دیگر «متفکران» اگزیستانسیالیست می‌توان به کیرکه گارد Kierkegaard، ژاسپرس Jaspers، هایدگر Heidegger، گابریل مارسل Gabriel Marcel، کامو Camus و باتای Bataille اشاره کرد و از تاثیرگذاران آن می‌توان نیچه را نام برد.

لازم به ذکر است که میان این متفکران درباره‌ی موضوع فلسفه‌ی خود اختلاف نظر وجود دارد اما اصولی نیز هستند که مورد اتفاق تمامی اگزیستانسیالیست‌ها است. از جمله تجزیه و تحلیل وجود منفرد. دیگر اینکه وجود منفرد از دیدگاه آن‌ها واقعیتی است که از بیرون درک نمی‌شود و در علم و قانون نمی‌گنجد. به بیان ساده‌تر آنچه از وجود خودمان کشف کرده‌ایم در مورد دیگران صدق نمی‌کند. درواقع اگزیستانسیالیست‌ها برای قدرت اختیار بشر ارزش بسیاری قائل‌اند و معتقدند که برخلاف جمادات و حیوانات که ماهیت آن‌ها پیش از به وجود آمدنشان مشخص است؛ فرد بشر ابتدا به وجود می‌آید سپس ماهیت خود را آن‌طور که می‌خواهد انتخاب می‌کند زیرا انسان غیرقابل پیش‌بینی است. بنابراین بشر تا هنگامی که زنده است هم صاحب هستی است هم وجود که انعکاس هستی است، در مرگ وجود آدمی و نیز آزادی و اختیار او از بین می‌رود اما هستی و حقیقتش همچنان باقی است. کیرکه گارد اگزیستانسیالیست شهیر دانمارکی می‌گوید: اگزیستانسیالیست واقعی در وجود خود غرق است و حتی اگر لب به سخن بگشاید یا با خودش صحبت کند از مطالعه در وجود خود دست کشیده است که البته سارتر و هایدگر با این باور همراه نیستند.

پس تا به اینجا نتیجه‌گیری می‌شود هر متفکری که وجود انسان را اسبق بر ماهیت او بداند و عقیده داشته باشد بشر نخست هیچ نیست و سپس چیزی می‌گردد و خویش را می‌سازد و نیز بر آن باشد که این وجود از لحاظ علمی و اصول و چگونگی آن غیرقابل بررسی است اگزیستانسیالیست به شمار می‌رود. فلاسفه‌ی اگزیستانسیالیست افکار و عقاید خود را از طریق کارهای هنری و نوشته‌های خویش بیان می‌دارند.

پیداست اگزیستانسیالیسم مانند هر فلسفه‌ی دیگری موافقان و مخالفانی دارد. به‌طور خلاصه مخالفان اگزیستانسیالیسم که شامل کمونیست‌ها، مسیحیان کاتولیک، مارکسیست‌ها و... می‌شوند؛ ادعان می‌دارند که اگزیستانسیالیسم سبب گوشه‌گیری و ناامیدی است یا اینکه مانع همبستگی آدمیان می‌شود. فیلسوفان اگزیستانسیالیسم نیز این نقدها





# آموزش و پرورش از دریچه قانون

آن رشته اشتغال داشته باشد (۳۱/۶/۹۷).

۳/۲- آموزگار، دبیر: داشتن حداقل ۸ سال سابقه تدریس موظف و تمام وقت در رشته مورد تقاضا تا تاریخ ۳۱/۶/۹۷ که سه سال آخر منتهی به آزمون در آن رشته اشتغال داشته باشد.

۴/۲- مشاور تحصیلی و تربیتی: داشتن حداقل ۸ سال سابقه کار در رشته مشاور تحصیلی تا تاریخ ۳۱/۶/۹۷ که سه سال آخر منتهی به آزمون در آن رشته اشتغال داشته باشد.

۵/۲- مربی امور تربیتی: داشتن حداقل ۸ سال سابقه کار در رشته امور تربیتی مدارس تا تاریخ ۳۱/۶/۹۷ که سه سال آخر منتهی به آزمون در آن رشته اشتغال داشته باشد.

۶/۲- معاون اجرایی: داشتن حداقل ۸ سال سابقه کار در امور دفترداری و معاونت اجرایی مدارس در دوره ابتدایی، متوسطه (اول و دوم) و پیش دانشگاهی (متصدی دفتری، کارشناس پایگاه اطلاعات دانش آموزی) که پنج سال آخر منتهی به آزمون در آن رشته اشتغال داشته باشد. ارائه تأییدیه کتبی (فرم شماره ۴) از اداره سنجش منطقه در زمان مصاحبه الزامی است.

## مراحل انتخاب و پذیرش نهایی داوطلبان:

- ۱- احراز شرایط عمومی و اختصاصی برابر مفاد شیوه نامه
- ۲- کسب رتبه لازم در آزمون کتبی (به تفکیک رشته و بر اساس فهرست فضلی) جهت شهرک در مرحله سنجش و ارزیابی حضوری.
- ۳- تسلط کامل بر روخوانی و روان خوانی قرآن.
- ۴- کسب امتیاز لازم در مرحله «سنجش و ارزیابی حضوری»
- ۵- اعزام پذیرفته شدگان نهایی منوط به تأیید کتبی هیئت مرکزی گزینش و مرکز حراست برای هر یک از زوجین خواهد بود.
- ۶- امتیاز زوج فرهنگی (در مرحله اول) در صورت داشتن کلیه شرایط برای شرکت کنندگان در آزمون امکان پذیر است.

سوسن میزایی اصل - کارشناسی آموزش ریاضی - ورودی ۹۴ شهید صدوقی

اعزام به خارج معلمان از جمله پرطرفدارترین ویژگی های حرفه معلمی در ایران است. درواقع مزایای تدریس در مدارس ایرانی خارج از کشور برای هر آموزگاری می تواند وسوسه کننده باشد. اصول و ضوابط زندگی در کشورهای خارجی ایجاب می کند کسانی انتخاب شوند که از لحاظ حرفه ای و تخصص دارای مهارت بالایی باشند. در شماره قبل شرایط عمومی برای پذیرش اعزام به خارج درج گردید. در ادامه مطالب، بر اساس بخشنامه وزارت آموزش پرورش (۹۸-۹۷) می توانید از شرایط تخصصی و مراحل انتخاب و پذیرش نهایی داوطلبان آگاه شوید.

## ۱- مشاغل مجتمع های آموزشی و پرورشی (سرپرستی)

۱/۱- کارشناس آموزش و امتحانات: اشتغال در پست های کارشناس، کارشناس مسئول، رئیس گروه و بالاتر منحصرأ مربوط به حوزه های آموزش و سنجش در سطح منطقه، استان و حوزه ستادی با حداقل ۸ سال سابقه اشتغال در پست های مذکور که سه سال از پنج سال منتهی به آزمون در آن رشته اشتغال داشته باشد (۳۱/۶/۹۷).

۲/۱- کارشناس امور مالی (عمومی، اداری): اشتغال در پست های کارشناس، کارشناس مسئول، رئیس گروه و بالاتر منحصرأ مربوط به حوزه فعالیت های مالی در سطح منطقه، استان و حوزه ستادی با حداقل ۸ سال سابقه اشتغال در پست های مذکور که سه سال از پنج سال منتهی به آزمون در آن رشته اشتغال داشته باشد (۳۱/۶/۹۷).

## ۲- مشاغل مدارس

۱/۲- مدیر واحد آموزشی: داشتن حداقل ۸ سال سابقه مدیریت در واحدهای آموزشی که چهار سال از پنج سال منتهی به آزمون در آن رشته اشتغال داشته باشد (۳۱/۶/۹۷).

۲/۲- معاون واحد آموزشی: داشتن حداقل ۸ سال سابقه مدیریت یا معاون واحدهای آموزشی که سه سال از پنج سال منتهی به آزمون در



## جرائم رایانه‌ای

سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی، فیلم یا صوت یا تصویر دیگری را تغییر دهد یا رایانه‌ای یا مخابراتی صوت یا تصویر یا فیلم خصوصی یا خانوادگی یا اسرار دیگری را بدون رضایت او جز در موارد قانونی منتشر کند یا در دسترس دیگران قرار دهد، به‌نحوی که منجر به ضرر یا عرفاً موجب هتک حیثیت او شود، به حبس از نودویک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج میلیون ریال تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد. «همچنین ممکن است آنچه در فضای مجازی منتشر می‌شود از اساس کذب و غیرحقیقی باشد. در ماده ۱۸ همین قانون مقرر شده: «هرکس به‌قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی به‌وسیله سامانه رایانه‌ای یا مخابراتی اکاذیبی را منتشر نماید یا در دسترس دیگران قرار دهد یا با همان مقاصد اعمالی را برخلاف حقیقت، رأساً یا به‌عنوان نقل‌قول، به شخص حقیقی یا حقوقی به‌طور صریح یا تلویحی نسبت دهد، اعم از اینکه از طریق یادشده به نحوی از انحاء ضرر مادی یا معنوی به دیگری وارد شود یا نشود، افزون بر اعاده حیثیت (در صورت امکان)، به حبس از نودویک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج میلیون ریال تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد». نکته آخر اینکه با دقت در این مواد روشن است که برای ارتکاب جرائم بیان‌شده، لازم نیست که انتشاردهنده، خود سازنده موضوع جرم باشد، بلکه انتشار با علم و عمد نیز موجب مجازات تعیین‌شده خواهد شد. مراقب رفتارهای خود در صفحات مجازی باشیم و حریم شخصی خود را از مورد سوءاستفاده قرار گرفتن و نشر همگانی، حفظ کنیم.

فاطمه سادات کاظمی-کارشناسی حقوق دانشگاه اصفهان

به‌طور معمول تمام دستاوردهای نوین در عرصه ارتباطات ممکن است حقوقی همچون امنیت، آسایش و رشد فرهنگ در جوانان را نقض کنند البته این آسیب زمانی ایجاد می‌شود که این دستاوردها از نظارت و کنترل‌های لازم برخوردار نباشند؛ به‌این‌ترتیب لطمه‌های فراوانی به مردم وارد می‌شود و حقوق شهروندی مردم را نیز نقض می‌کند؛ در این راستا اگر مانند بسیاری از کشورها قوانینی در این خصوص وضع و مدیریت‌های کاربردی روی این فضا اعمال شود و همچنین مرزهای ورود و خروج و مصادیقی از این قبیل در این دستاوردهای نوین ارتباطی مشخص شود، می‌توان تا اندازه‌ای از حقوق شهروندی دفاع کرد. در همین راستا نهاد کمیته تعیین مصادیق مجرمانه وجود دارد اما عملکرد این کمیته کافی نیست و به‌طور حتم باید مقررات تشدید و شفاف‌سازی شود. در این خصوص در بعد مقررات و قوانین، باید آموزش‌های مفیدی نیز در اختیار کاربران قرار گیرد. به‌طوری‌که بتوانیم از این دستاوردهای نوین در بحث ارتباطات حداکثر استفاده را ببریم و بحث سر این باشد که دامنه منفی و سوء را کاهش دهیم. ازجمله مبحث مطرح در این حیطه انتشار عکس‌ها و فیلم‌ها در اینستاگرام و دیگر فضاهای مجازی است که جرم بوده و بر عهده پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات (فتا) است. پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات (فتا) می‌تواند با پیگیری و ردیابی، افراد خاطی را مشخص و بازداشت کند تا بر اساس قوانین مجازات شوند. یکی از معضلات و مشکلاتی که اینستاگرام و بقیه شبکه‌های اجتماعی دارند این است که آبرو، حیثیت و حریم خصوصی مردم ممکن است نقض شود و بارها دیده‌شده است که شهروندان بنا بر دلایلی به دلیل انتشار عکس‌های خود در چنین فضاهایی دچار مشکلات متعددی شده‌اند؛ اما نمی‌توان به بهانه اینکه برخی از این فضای مجازی و تبادل اطلاعات علیه امنیت و حریم خصوصی شهروندان سوء استفاده می‌کنند، با این فضاها و دستاوردهای آن مقابله کرد؛ بلکه باید با این پدیده به‌صورت جدی و حرفه‌ای روبه‌رو شد و با آموزش و مدیریت آگاهانه، استفاده درست از این فناوری را به شهروندان آموزش داده شود. یکی دیگر از مشکلات مطرح در فضای مجازی توهین و هتاک است. هر نوع توهین و افترا بدون در نظر گرفتن چگونگی ابراز و بیان آن، چه از طریق فضاهای مجازی باشد یا در هر فضای واقعی دیگر، پیگرد قانونی خواهد داشت و فردی که مورد توهین قرار گرفته است می‌تواند از شخص خاطی شکایت کند. اگر اتهامات و نسبت‌های ناروا در این فضا منتشر و حریم خصوصی فرد نقض شود برابر قانون مجازات اسلامی این موضوع قابل پیگیری است. اما رسیدگی به شکایات در حیطه جرائم سایبر و فضای مجاز روندی دارد. شاکی باید به پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات (فتا) مراجعه کند تا آن‌ها با تجهیزات و امکانات لازم و منابع انسانی ماهر اقدامات گسترده‌ای انجام و مجرم را شناسایی کنند؛ سپس متهم و پرونده وی بعد از تکمیل به دادسراهای فرهنگ و رسانه و مراجع قضایی خاص این موضوع ارسال می‌شود و در مورد آن دادرسی صورت می‌گیرد. بر اساس قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸/۳/۵ و به‌موجب ماده ۱۶ این قانون: «هر کس به‌وسیله



# سینمای تأمل برانگیز؛ انیمیشن EL EMPLEO

از آن خود داریم یا نه؛ هم‌رنگ جماعت شده‌ایم و جامعه شبیه‌مان کرده است. ناچاریم با ریتم و سرعت جامعه سازگار شویم؛ جامعه‌ای که به روح بشری ارزشی نمی‌نهد و او را کالایی می‌پندارد برای مصرف. افراد چه در بالای هرم روابط اجتماعی، چه در پایین آن، هرکدام درماندگی و باتکلیفی خود را دارند؛ باید بی‌وقفه و بی‌روح و سخت کار کنند و مثل پیچ در مهره‌ی خود بیچند تا زندگی را پیش ببرند و تلخی درونشان را به دوش بکشند. شاید گیج‌کننده‌ترین وجه این فیلم، درک تمایز اشیاء بی‌جان و اشیاء جاندار یا همان اشیاء انسانی باشد. مردی که در نقش «آبازور» است چه وجه ممیزه‌ای از «ساعتی» دارد که سرصبح زنگ می‌زند؟ تنها این که یکی نفس می‌کشد و دیگری نه؟ چه چیزی «در» اتاق را از مردی که «پادری» است متفاوت می‌کند؟

شاید این فیلم قصد دارد بگوید که انسان نمی‌تواند و نباید در این محیط قرار گیرد. انسان مقصود واحدی ندارد؛ نه پیچ است، نه آبازور، نه پادری؛ نمی‌تواند چون پیچ در مهره بیچند، چون چراغ اتاق را روشن کند یا چون پادری خاک کف کفش را بگیرد. طنز تلخی است که بشر پندارد باید بسان آبازور و پادری و چراغ راهنمایی عمل کند بدون این که نیازی به این کار باشد. این جامعه‌ای مصرف‌گر است که همه‌چیز از جمله آدمیان را «مصرف» می‌کند؛ هر چیزی را به کارکردش تقلیل می‌دهد و ما انسان‌هایی می‌کشیم شیء باشیم، می‌کشیم مفید باشیم، می‌کشیم «هم‌رنگ» باشیم. غافل از این که در این راه خویش خود را باختیم؛ ارزشمان، انسان بودنمان، خویش خود بودنمان را ساقط کرده‌ایم.

این بار تصمیم گرفتیم که در میان انبوه مطالب، سخنی نیز باز کنیم از مستندات و فیلم‌های تأمل‌برانگیز و فلسفی؛ به چالش بکشانیم شما مخاطبان عزیز را، برای مشاهده فیلم‌ها از منظری دیگر و تأمل در آن. حال دعوت می‌نماییم از شما به مشاهده انیمیشن *el empleo* به کارگردانی سانتیاگو بوگراسو (۸۰۰۲) که در ذیل به تفسیر سردبیر گاهنامه، نگاشته شده است.

فیلم کوتاه *el empleo / The Employment* یا «استخدام» تلاشی است برای نقد زندگی بشر در جوامع مدرن؛ تأملی بر معنای زندگی. این فیلم تخریب روح و خاموشی ضمیر آگاه انسان در جامعه‌ی سرمایه‌داری را با طنزی تند و تلخ جو می‌کند. جایگاه آدمیان را چنین فرو کاسته نشان می‌دهد که انسان جایگزین شیء شده و به اندازه‌ی کارکرد آن شیء حقیر شده است. آدم‌ها را به پیچ‌های کوچک ماشینی بزرگ تشبیه می‌کند؛ پیچ‌هایی که هرروز به‌سان دیروز در جای خود می‌پیچند و در این سیمای سنگی و درمانده مداوم‌اند. از آغاز تا پایان همه در سکوت‌اند و این سکوت حسی را در بیننده برمی‌انگیزد که منکوب خفقان درماندگی و ترس می‌شود. فضای فیلم مالا مال افسردگی، درماندگی و اندوه است و در آخر نیز وقتی شخصیت اصلی فیلم روی زمین می‌خوابد تا پادری باشد، درست پیش از پایان فیلم، صدای دم و بازدمش چنان همزادپنداری بیننده را بیدار می‌کند که گویی این صدا، ندای درون تمام آدمیان است. بعد از تماشای این فیلم می‌توان دریافت که هر چه در فیلم به تصویر کشیده شده است، به گونه‌ای تصویر جامعه‌ی مدرن نیز هست.

بسیاری از ما به تلخی در دیگ جامعه دست‌وپا می‌زنیم و نمی‌دانیم این دست‌وپا زدن برای چیست؛ برای چه می‌جنگیم؟ ارزش زندگی را نمی‌دانیم. مهم نیست که رؤیایی

فاطمه سادات ایزدی‌اونجی - کارشناس آموزش ریاضی - ورودی ۹۴  
شهید صدوقی



el Empleo



## طنز

## گذری به خاطرات

### متقلب نگرفته پادشاست!

یک درس ساده بود که من بنا بر دلایلی نتوانسته بودم اصلاً این درس را بخوانم و با ذهن کاملاً خالی سر جلسه امتحان رفتم. نیم ساعتی نشستم و دیدم هیچ کدام از این سؤالات حتی برایم آشنا هم نیست یک جمله در پایان برگه نوشتم و برگه را تحویل دادم. در اعتراض به تقلب گسترده‌ای که سر جلسه امتحان شاهد بودم از دادن این امتحان خودداری کرده و نمره صفر را بر بیست با تقلب ترجیح می‌دهم. نمره الف کلاس را گرفتم! خدایا مرا ببخش...

### عاقبت سخت‌گیری

به خاطر می‌آورم زمانی که معلم پایه چهارم دبستان در یکی از مدارس استان بودم. یک کلاس بیست‌وهفت نفره با دانش-آموزان بازیگوش و شلوغ. از روزهای پاییز بود که بر طبق روال معمول به کلاس می‌رفتم؛ تا اینکه از دست بد قضا اتفاقی برایم پیش آمده بود که آن یک روز را باید مرخصی می‌گرفتم و متأسفانه به کلاس درس نتوانستم بروم. با یکی از همکارانم در این مورد صحبت کردم تا آن یک روز را به جای من به کلاس برود. حوالی ساعت یازده صبح بود که آن مشکلم حل شد و به مدرسه رفتم. زنگ تفریح بود و من به دفتر مدرسه رفتم تا اوضاع کلاس را از همکارم جویا شوم. همکارم اعلام کرد که کل ساعت را با آن‌ها ریاضی کار کرده تا این که من به مدرسه رسیدم. زنگ تفریح به اتمام رسید و به قرار معمول خواستم به کلاس درس بروم. وارد راهرو شدم و خواستم درب کلاس را بازکنم و هر چه تلاش کردم نتوانستم درب را بازکنم؛ گویا بچه‌ها همگی پشت درب کلاس را گرفته بودند که مبادا همکارم به کلاس بیاید و دوباره با آن‌ها ریاضی کار کند.

هر چه تلاش کردم نتوانستم درب را بازکنم، هر چه خودم را معرفی کردم انگار نه انگار... آن چنان پشت درب کلاس را گرفته بودند که درب چوبی کلاس اصلاً باز نمی‌شد. با خود گفتم که فایده ندارد، هر چه من تلاش کنم آن‌ها نه صدای مرا می‌شنوند و نه درب را برایم باز می‌کنند. چند لحظه پشت درب کلاس ایستادم، بعد از سه دقیقه تصمیم گرفتم درب کلاس را با قدرت بازکنم و وارد کلاس شوم چشمتان روز بد نبیند! درب را با قدرت تمام باز کردم؛ آن چنان با فشار به داخل کلاس سر خوردم که تا ته دیوار کلاس رفتم و سرم به دیوار آخر کلاس خورد. صدای خنده‌ی بچه‌ها کل راهرو را فراگرفت؛ خودم نیز هم از کار بچه‌ها عصبانی بودم و هم خنده‌ام گرفته بود. گویا همکارم تمام زنگ‌ها را کتاب کار ریاضی و مسائل سخت با آن‌ها کار کرده بود و از دست همکارم دلخور بودند و فکر کرده بودند که او پشت درب کلاس است. از طرفی به آن‌ها حق می‌دادم ولی خب، رفتارشان اشتباه بود. سال‌های بعدی که استاد دانشگاه شدم یکی از همان بچه‌های کلاس آن روزهایم، هم‌اکنون خاطره مرا می‌نویسد.

نمونه‌هایی از خلاقیت و نبوغ دانش‌آموزان در پاسخ به سؤالات امتحانی را بخوانید:

- + سه مرحله تصمیم‌گیری را نام ببرید.
- کاشت، داشت، برداشت
- + چرا روی آدرس اینترنت به جای یک دبلیو سه دبلیو می‌گذارند؟
- چون کار از محکم‌کاری عیب نمی‌کند.
- + آخرین دندان‌ی که در دهان دیده می‌شود چه نام دارد؟
- دندان مصنوعی
- + اگر کسی قلبش ایستاده بود چه می‌کنید؟
- برایش صندلی می‌گذاریم
- + اگر شخصی خیلی سرشناس باشد به نظر شما چه کاره است؟
- آرایشگر
- + اختراعی که برای جبران اشتباهات بشر درست شده است چیست؟
- طلاق

حسنا نوری - کارشناسی علوم تربیتی - ورودی ۹۵ شهید صدوقی



حسنا نوری - کارشناسی علوم تربیتی - ورودی ۹۵ شهید صدوقی



## آنچه گذشت....

حضورشان موجب انسجام، نظم، جذابیت و بهبود در کیفیت برنامه‌های فرهنگی در سال جاری گردید.

**جشنواره رویش:** کسب مقام دوم کانون های فرهنگی پردیس شهید صدوقی کرمانشاه که در مورخ ۵ الی ۷ بهمن در مشهد مقدس با حضور نمایندگان نشریات و انجمن های پردیس های خواهران برگزار گردید.

**تدارک مسابقه کتاب خوانی به مناسبت دهه فجر:** مسابقه کتابخوانی با کتابی تحت عنوان معارف انقلاب که مروری بر دیدگاه های مقام معظم رهبری بود، در مورخ ۲۱ بهمن ماه در پردیس برگزار شد.



**کارگاه دخیانیات:** کارگاه آموزشی دخیانیات (سیگار-قلیان) با حضور بازرس مرکز بهداشت، آقای مهربان خواهی به عنوان سخنران در مرکز بهداشت کرمانشاه به مورخ ۵ اسفند برگزار گردید. هماهنگی به عمل آمده برای برگزاری این کارگاه توسط واحد فرهنگی؛ سرکارخانم داوری، جهت ارتقای اطلاعات بهداشتی-مراقبتی دانشجومعلمین صورت گرفت.

**تغییر ریاست دانشگاه:** مراسم معارفه دکتر مجید محمدی و تودیع و تکریم دکتر فرزاد امیری در روز دوشنبه ۱ بهمن ماه ۱۳۹۷ با حضور دکتر طاهری نیا معاون محترم پژوهش و فناوری دانشگاه فرهنگیان، روسای دانشگاه ها و مدیران کل برخی ادارات استان و با حضور نماینده مدیر کل آموزش و پرورش استان و مدیران نواحی، حجت الاسلام صاحب الامری مسئول دفتر مقام معظم رهبری در دانشگاه فرهنگیان استان و جمعی از اساتید، کارکنان و دانشجویان پردیس های استانی برگزار شد.

**تغییر مدیر گروه دانشگاه:** در ترم دوم سال تحصیلی ۹۷-۹۸ مدیر گروه دانشگاه جناب آقای کریمی سمت مدیر گروهی را بدلیل بازنشستگی واگذار کرده به جناب آقای محمدی تحویل دادند. با آرزوی بهترین تغییرات و برنامه ریزی در ادامه سال تحصیلی برای دانشجویان عزیز پردیس شهید صدوقی کرمانشاه و با آرزوی موفقیت برای ایشان.

### حوزه امور دانشجویی:

**افتتاح سلف:** با گذشت دو ماه از سال تحصیلی سلف نوساز پردیس صدوقی با سپاس تلاش بی وقفه آقای قاسمی همراه با جشن صبحانه در تاریخ ۲۹ آبان ماه افتتاح گردید و موجب رهایی دانشجویان از بی نظمی شد و دانشگاه تقریباً به روال سابق خود بازگشت هرچند نمی شود از پراکنده بودن کادر اداری علل خصوص امور دانشجویی که باید در میان دانشجویان حضور داشته باشند، چشم پوشی کرد و موجب دو برابر شدن کار این عزیزان می گردد.

**هفته دانشجو:** از تدارکات امور دانشجویی برای هفته دانشجو می توان به تربیون آزاد و همایش پیاده روی از دانشگاه تا طاق بستان و حضور بر مزار شهدای گمنام اشاره کرد.

**ورودی بهمن ماه:** پردیس شهید صدوقی در بهمن سال تحصیلی جاری ۵۸ نفر دانشجو در رشته های علوم اجتماعی و آموزش ابتدایی پذیرش داشته است که ۵۴ نفر از ایشان غیر بومی و ۴ نفر بومی کرمانشاه می باشد.

**سایر فعالیت ها:** از دیگر فعالیت های امور دانشجویی می توان به برگزاری کارگاه های مشاوره ای در طول ترم از جمله کارگاه های پیشگیری از اعتیاد و آشنایی با بیماری دیابت جهت همیاران سلامت و ... اشاره کرد. همچنین حضور مشاور رایگان در پردیس را می توان از دیگر خدمات برای دانشجویان برشمرد.

### حوزه امور فرهنگی:

در آغاز جا دارد از تلاش های بی وقفه سرکار خانم داوری کارشناس امور پردیس تشکر ویژه به عمل آوریم که با پذیرش این پست و





**دومین همایش معلم مهدوی :** دومین همایش معلم مهدوی با حضور حجت الاسلام والمسلمین حاج آقا قرائتی در مورخ ۱۹ بهمن ماه برای دانشجو معلمان در تالار شهید بهشتی دانشگاه شهید صدوقی برای بهروری هر چه بیشتر معلمان آینده با تلاش نهاد رهبری و اعضای فرهنگی دانشگاه برگزار گردید.



**کارگاه ها و دوره های آموزشی :** دوره آموزشی احکام در ۱۰ جلسه ویژه صدوقی بصورت عملی و تئوری که شروع آن از آذرماه بود با دعوت اساتیدی از قم از طرف نهاد رهبری دانشگاه برگزار گردید. از دیگر فعالیت های این نهاد می توان به برگزاری کارگاه ازدواج با دلار ۱۵ هزار تومانی با حضور دکتر کریمان مجد و همچنین کارگاه مخاطرات ازدواج به هنگام با حضور حجت الاسلام و المسلمین مهدی بیاتی در ۲۴ مهرماه اشاره کرد.

نادیا مهرابی - کارشناس آموزش ریاضی ورودی ۹۴ شهید صدوقی



**برگزاری طرح های تربیتی - فرهنگی :** ثبت نام طرح های ۵۵۵، سراج و بیست و نهمین جشنواره فرهنگی به مناسبت ۴۰ امین سالگرد انقلاب اسلامی در بهمن ماه سال تحصیل جاری به کوشش واحد فرهنگی پردیس با تشویق دانشجویان آغاز شد. همچنین طرح معراج بصورت ضمن خدمت برای دانشجویان ورودی ۹۴ ریاضی در طی دو روز (۱۹ و ۲۰ آذر) با حضور اساتید گرانقدری از قم در پردیس شهید صدوقی برگزار گردید.



**فعالیت های نهاد رهبری در دانشگاه در طول سال جاری :** سفر کربلا: کاروانی متشکل از ۳۶ دانشجو با مدیریت آقای اسفندیار نیری و روحانی کاروان جناب آقای حائری نسب از قم پس از نماز مغرب و عشاء عازم کربلا شدند.

صفحه های مجازی:  
[chistamag.cfu@gmail.com](mailto:chistamag.cfu@gmail.com)  
[@chistamag\\_cfu](https://www.instagram.com/chistamag_cfu)



دانشگاه فرسنگان